

ILGÜN

ایل گون

No. 10 June 1999

سال سوم - شماره ۱۰ تیر ۱۳۷۸

Garaşsyz türkmen neşriýesi

نشریه مستقل ترکمن



۲۶۶ - مین سألروز

تولر نخر لوبی شرق،

بانی شعر و لوب

کلاسیک ترکمنی،

مختومقلی فراغی را

به جامعه لوب و

فرهنگ تبریک

می گویم

آرامگاه مختومقلی فراغی در آق توقغای ترکمن صحرا

فهرست مطالب :

۳	مختومقلی، تجلی خودیابی ملی
۴	شوراها در ترکمنصحرا
۶	پاسخ به مطالبات ملی...
۸	کوسوو، شکست شوونیسیم
۱۰	طلای سیاه یا بلای منطقه
۱۲	اخبار مربوط به بزرگداشت مختومقلی
۱۵	بازماندگان حسن پادشاه
۲۰	مقاله ادبی
۲۱	معمای اتحاد
۲۳	گلایم
۲۷	بررسی رژیم حقوقی خزر
۲۹	اخبار
۳۵	نامه های رسیده

مختومقلی، تجلی خودیابی ملی

در فضای سیاسی حاکم بر ایران نشریات خارج از دایره جناح حاکم که تحت فشارها و تضییقات منتشر می شوند، تا درجه معینی جای احزاب سیاسی را می کردند. ولی ترکمن ها نه تنها حق انتشار نشریه به زبان خود را ندارند، حتی حق انتخاب نام های ترکمنی بر فرزندان خود را نیز ندارند.

در چنین شرایطی جمهوری اسلامی در بزرگداشت از شاعر ملی ترکمن، مختومقلی فراغی که آرامگاهش در ایران است برای اولین بار همایش و مراسم رسمی برگزار می کند.

به این همایش کارشناسان و صاحب نظران زیادی از کشورهای ترکیه، تاجیکستان و ترکمنستان دعوت شده بودند. رئیس جمهور ترکمنستان نیازوف نیز در این مراسم شرکت کرد. برای تدارک این مراسم ستاد برگزاری در شهرهای مختلف ترکمنصحرا تشکیل شد و دانشگاهها و محافل فرهنگی بخصوص دانشگاههای پیام نور کنبد و بندرترکمن نقش به سزایی در برپایی این همایش و مراسم به عهده داشتند.

آنچه که برای ما ترکمنهای ایران بیش از هر چیز دیگر اهمیت دارد تنها شناخت این شاعر به عنوان بنیانگذار زبان ادبی ترکمنی، پدر شعر کلاسیک ترکمنی و آشنایی با ایده

های او نیست بلکه یاد و مراسم سالگرد او هم اینک امکانی است که ترکمنها را به وحدت و یکپارچگی در میان خود فرا خواند و خواست های ملی خود را به روشنی طرح کنند. یاد و مراسم مختومقلی در ترکمنصحرا خود آغاز یک اقدام و حرکت ملی است و ترکمن های ایران با مطرح ساختن این شاعر و برگزاری مراسم در ترکمنصحرا و در محل آرامگاه شاعر به نوعی خواست های ملی خود را طرح میکنند. برگزاری مراسم بزرگداشت مختومقلی دستاوردی است بزرگ برای ترکمن های ایران زیرا این اقدام فراتر از برگزاری صرف مراسم یادبود است. این اقدام آغاز تلاش ترکمن های ایران در خودیابی و همچنین یافتن هویت ملی خود است که بخش کوچکی از آن در قطعنامه پایانی این همایش یک هفته ای در ترکمنصحرا انعکاس یافت. شرکت کنندگان همایش در یک قطعنامه ۱۰ ماده ای خواستند که نام شاعر در زمره مفاخر ملی کشور ثبت و در دایره المعارف بزرگ اسلامی نوشته شود. یکی از خواست های اصلی شرکت کنندگان (که در مفاد این قطعنامه هم گنجانده شده بود) معرفی احوال، آثار مختومقلی به همراه دیگر شاعران و اندیشمندان ایرانی در کتب درسی از سوی وزارت آموزش و پرورش بود و اختصاص یک واحد درسی اختیاری به عنوان آشنایی با اشعار مختومقلی فراغی در دانشگاههای استان گلستان در رشته ادبیات از سوی ستاد انقلاب فرهنگی کشور. از دیگر بندهای این قطعنامه می توان تلاش برای ترجمه و انتشار دیوان مختومقلی به فارسی و دیگر زبانهای زنده دنیا، تشکیل انجمن ادبی و فرهنگی مختومقلی و ایجاد

یک موزه در مجاورت برج قابوس در کنبد برای آشنایی گردشگران با فرهنگ ترکمن هاست. باید خاطر نشان کرد که این مراسم بنا به سیاست های خاصی از طرف جمهوری اسلامی برگزار و حمایت شد. مسلم این است که جمهوری اسلامی با اجرای چنین مراسمی اهداف خاصی را دنبال می کند. از جمله این اهداف عمده کردن جنبه های مذهبی و عرفانی مختومقلی است. یکی از سخنرانان حتی ادعا کرده است که مختومقلی وحدت برادران شیعه و سنی را تبلیغ می کرد و معتقد بوده است که شیعه و سنی دو بازوی قوی اسلامند. و هیچگونه اشاره ای به جنبه های ملی، وطندوستی و جنبه های وحدت طلبانه اشعار مختومقلی در میان ترکمن ها که نسل اندر نسل به ارث رسیده اشاره ای نمی شود. سیاست دیگر جمهوری اسلامی جلب و جذب توریست های آسیای میانه و بویژه توریست های ترکمن از کشور ترکمنستان به ایران و بخصوص به استان گلستان است. هزاران هزار ترکمن در آن سوی مرزها دیدار آرامگاه مختومقلی کعبه آمالشان است. جمهوری اسلامی تلاش میکند خود را حامی اقلیت های ملی و مذهبی نشان دهد است تا بدینوسیله هاله ای بر روی تبعیض و تضییقات ملی و مذهبی در ایران بکشد. برای ما ترکمن ها علیرغم هر سیاستی که جمهوری اسلامی در پیش گرفته باشد، اجرای همایش یک هفته ای 'مختومقلی' پیروزی بزرگ در عرصه مبارزه ملی است و این خود نوع دیگری از مبارزه ملی برای دستیابی به احقاقی است که از طرف جمهوری اسلامی همچون حکومت های پیشین پایمال گشته و می گردد.

شوراها در ترکمن صحرا

موفقیت های داشتند که این خود دلایل اجتماعی - اقتصادی دارد، اما نتوانستند بر این ملت غالب آیند. ملت ترکمن همیشه برای حق حیات و بقاء خود مبارزه کرده و در آینده نیز با توجه به سطح مبارزه و آگاهی ملی در شکل های مختلف ادامه خواهد داد.

جنبش مردمی در ایران بسیار فراتر رفته و دیگر محدود به خاتمی و جناح او نیست. خواستهای توده های مردم بخاطر زندگی بهتر و دمکراسی روز به روز گسترش می یابد. نیروی مردم در صحنه مبارزه سیاسی ایران نقش تعیین کننده ای یافته است. این نیرو در انتخابات شورای شهرها در مجموعه ایران ضربه بزرگی به پیروان ولایت فقیه که خود را قیم مردم میدانند وارد آورد. اما ملت ترکمن علاوه بر این درد و ستم عمومی جامعه ایران ستم ملی، ستمی که موجودیت و هویت او را منکر میشود، متحمل است.

تحت تأثیر این ویژگی خاص ترکمن ها است که اولاً کاندیداهای ترکمن با هم توافق می کنند و در ثانی مردم ترکمن یکپارچه از آنها حمایت کرده و رأی خود را به آنها می دهند.

مجموعه این فعالیتهای اجتماعی در ترکمن صحرا جهت یافتن روندی موفقیت آمیز به چند عامل بستگی دارد که همه

جهت در هم شکستن آراء ترکمنها در انتخابات مجلس تغییر یافت. اما از آنجاییکه انتخابات شوراها در سطح شهرهای استان برگزار می گردید این ترفند ضدملی نمی توانست تأثیر بگذارد. بدین ترتیب بود که در شهر گنبد از ۷ نماینده منتخب ۵ نفر آنها ترکمن و در بقیه شهرهای ترکمن صحرا تمامی اعضاء منتخب شوراها ترکمن هستند. شرکت گسترده مردم، بخصوص جوانان، در روند انتخابات شوراها در ترکمن صحرا همانند سایر نقاط ایران نشان از حضور فعال مردم در صحنه امور اجتماعی - سیاسی دارد. هرچند که برای ولایت فقیه و پیروانش عدم وجود نقش مردم در مدیریت امور جامعه کمال مطلوب است. اما این حضور مردم در ترکمن صحرا ویژگی خاص و معنای دیگری دارد که ناشی از وضعیت ویژه خود منطقه و ملت ترکمن است.

ملت ترکمن بخصوص در ۷۰ سال اخیر تحت شدیدترین فشارهای اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی قرار داشته است و برای رهایی از این ستم ملی و احقاق حقوق خود از هر امکان و موقعیتی بهره جسته است. رژیم های حاکم با سیاستهای شوونیستی و فارس گرایی خود شدیدترین لطمه ها را، چه در زمینه های اقتصادی با غصب زمین هایشان و چه در زمینه های فرهنگی و ادبی با ممنوعیت زبان ترکمنی، بر این ملت وارد آوردند. رژیم های حاکم هرچند در مقاطعی در این فارسیزه کردن جامعه ترکمن اندک

انتخابات شورای شهرهای ترکمن صحرا حال و هوای دیگری نسبت به سایر نقاط ایران داشت. با توجه به شرایط حساس سیاسی - اجتماعی موجود در ایران و تحولاتی که در سالهای اخیر صورت گرفته و با توجه به اهمیت و نقش شوراها بعنوان ارگانی منتخب از جانب مردم در تحولات آتی جامعه، مردم ترکمن و روشنفکران آن فعالانه و آگاهانه در امر انتخابات آنها شرکت کردند.

با آغاز ثبت نام کاندیداها تعداد بسیاری از فعالین اجتماعی ترکمن در شهرهای مختلف ترکمن صحرا کاندیداتوری خود را اعلام نمودند. انتخاب ترکمن ها در شورای شهرها بدلیل وضعیت ویژه منطقه مهم بوده و می بایستی با توجه به تعداد کثیر کاندیداها برخی به نفع بقیه اعلام انصراف می نمودند. بدین خاطر کاندیداهای ترکمن در مسجد قزل آخوند بنا بدعوت وی تجمع نموده و توافق نمودند که فقط ۷ یا ۸ نفر بعنوان کاندید باشند. برخی از کاندیداها از جمله در بندر ترکمن در تبلیغات انتخاباتی خود توجه به مسائل ملی را در برنامه خود قرار داده بودند.

انتخابات شوراها برای ترکمن ها که تاکنون تحت اجحافات اقتصادی و اجتماعی حکومتی قرار داشته و دارند، فرصت مناسبی جهت بدست آوردن ارگانی قانونی جهت طرح ناعدالتی ها و بیان و تحقق برخی خواست های مردم ترکمن بود.

بعد از رسمیت یافتن استان گلستان محدوده شهرستانها طبق برنامه خاصی و آنها عمدا

ادامه از صفحه ۴

شوراها . . .

این فاکتورها در ارتباط و تأثیر متقابل با همدیگر عمل می کنند. اول اینکه توده های مردم ترکمن تا چه حد بصورت یکپارچه در صحنه حضور فعال داشته باشند. تاکنون تجربه نشان داده است که تنها نیروی مردم است که می تواند نیروهای ضدملی را به عقب نشینی وادارد. عدم حضور فعال مردم می تواند این اندک دستاورد را نیز لوٹ کند.

دوم اینکه افراد منتخب در شورای شهرهای ترکمن صحرا تا چه حد در طرح و تحقق خواستهای مردم پایمردی، پشتکاری و جدیت دارند. آیا می توانند گامهای جدی در راستای خواستهای مردم بردارند؟ مردم ترکمن آنها را به نمایندگی از جانب خود در ارکان شورای شهر انتخاب کرده اند و شرط ادامه حمایت از آنها نیز به پایداری به عهدشان با مردم وابسته خواهد بود. صرفا ترکمن بودن آنها حمایت دائمی مردم ترکمن را بدنیال نخواهد داشت. مردم ترکمن این را در انتخابات مجلس در دوره های قبل بوضوح نشان داده اند.

البته در رابطه با فعالیت شوراها نایستی دچار توهم شد. هنوز محدوده اختیارات قانونی شوراها دقیقا مشخص نیست. بخشی از حاکمیت که از ابتدا نیز مخالف شوراها بود، سعی در هرچه بیشتر محدود کردن اختیارات شوراها خواهد نمود. تلاش خواهد کرد آنها را به یک شورای مشورتی بی خاصیت تنزل دهد. در ترکمن صحرا بعلت ترکیب شوراها و مسئله ملی منطقه، شوراها با محدودیت ها و کارشکنی های بیشتری

مواجه خواهند گشت. تلاش در جهت تبدیل شوراها به ارگانهای تجلی اراده مردم و مقاومت در برابر هرگونه خلع ید از شوراها وظیفه تک تک اعضای شوراها خواهد بود.

سوم اینکه، همانطور که اشاره شد جنبش ترکمن ها بدلیل ستم ملی موجود مختصات خاص خود را دارد و بدین دلیل نیز از مهمترین شروط برای ادامه موفقیت آمیز مستقل بودن آن است. درگیر شدن در اختلافات بین جناحهای حکومتی و جانبداری به معنای دنباله روی از جناحی نه تنها دستاوردی نمی تواند برای جنبش ملی ترکمن بهمرا داشته باشد بلکه می تواند در معاملات سیاسی بین جناحهای حکومتی، که هر دو خواهان حفظ جمهوری اسلامی اما هر کدام به شیوه و تفکر خود هستند، براحتی مورد معامله قرار گیرند و یا اینکه در حالت بهتر در تلاطم درگیریهای آنها عنوان حلقه ضعیف براحتی له خواهند شد. بایستی کاملا مطمئن بود که هیچ کدام از جناحها اعتقادی به حل مسئله ملی ترکمن ندارند. در این میان خواستهای بر حق ملی را نیز موکول به حل مسائل دیگری نمودن نیز راه کریزی زیرکانه جهت نپرداختن به این مسئله مهم جامعه چند ملیتی ایران است.

حفظ استقلال ارگانهای منتخب مردم و دیگر تشکلهای و ارگانهای مطبوعاتی و در اولویت قرار دادن منافع ملی ملت ترکمن شرط حمایت مردم ترکمن از آنها و ضامن پیشرفت جنبش خواهد بود.

مشراد

معرفی "تریبون"

هیئت تحریریه مجله تریبون نسخه شماره ۴ این مجله را به آدرس ایل گون ارسال نموده است. ایل گون ضمن تشکر و آرزوی همکاری نزدیکتر با دوستان دست اندر کار تریبون، خوانندگان خویش را بطور مختصر با آن آشنا میسازد. شماره ۴ مجله در ۳۶۸ صفحه چاپ گردیده و حاوی مطالب گوناگون در زمینه های تاریخی، اجتماعی، ادبی، میباشد. تریبون با طرح دیدگاههای مختلف در صدد ایجاد فضائی همه فرهنگی است. مجله با بیان و طرح مشکلات جامعه چند فرهنگی درپچه ای بسوی درک متقابل و تفاهم بیشتر میکشاید. در نامه ای که بهمراه دفتر چهارم مجله به آدرس ما رسیده است، میخوانیم: 'هدف تریبون کمک به ایجاد دیالوگ چند جانبه است که طی آن روشنفکران و صاحب نظران و علاقه مندان هموطن، امکان تاثیرپذیری داشته باشند تا از این رهگذر روشنگر و راهنما باشند و نه آنچنانکه در تاریخ معاصر بارها شاهد بوده ایم، خود اسیر هیجانانگ شده و از پی حوادث به حرکت درآیند و...'. آدرس تریبون

Tribun: Box 7168,
17007 Solna Sweden

پاسخ به مطالبات ملی و فرهنگی ترکمنها از کدام راه و با کدام وسیله؟

بدون تردید و به دنبال گذشت چندین سال از مهاجرت بخش بزرگی از نیروهای سیاسی ترکمن به خارج از کشور هنوز هم برخورد و پاسخگویی به مسئله ملی در ردیف یکی از محوری ترین و مرکزی ترین موضوع حرکتی آنها می باشد. در ارتباط با این مسئله تاکنون نظرات و واکنشهای متفاوتی از جانب افراد و گروههای سیاسی و فرهنگی ترکمن ارائه گردیده که خود بنا به داشتن اهمیت مسئله لازم به جمعبندی و تحلیل می باشد.

به طور کلی نظرات و تفکرات روشنفکران ترکمن در اروپا را میتوان در سه محور مختلف جمعبندی نمود و سپس به نقد و بررسی آنها پرداخت.

الف : گروهی مسئله ملی و موجودیت یک ملت را منشاء و اساس حرکت سیاسی دانسته و در این راستا ایجاد هر نوع تشکل سیاسی و فرهنگی را تنها و تنها حق طبیعی و مشروع یک ملت می دانند. بنا به استدلال این جمع یک سازمان واحد سرتاسری را که دارای یک برنامه و اساسنامه واحد برای چندین ملت در یک کشور است صرفنظر از هر نوع عقیده و نظر حاکم بر آن نمیتوان منطقی و عادلانه دانست. آنها تأکید دارند که در کشورهایی نظیر ایران می بایستی هر کدام از ملتها سازمان و تشکل سیاسی و فرهنگی خود را داشته باشند.

ب : گروهی دیگر موجودیت و واقعیت یک تشکل سیاسی را امری فراملیتی دانسته و در این راستا حزب و سازمان سیاسی را

تشکلی متعین و متبلور از یک جریان فکری و عقیدتی می دانند. از دیدگاه این عده اصل بر این نیست که عناصر و اعضای تشکیل دهنده یک جریان فکری دارای ملیت مشترکی باشند. با همین استدلال مرزبندیهای ملی و فرهنگی را تا حد مسائل داخلی و فرعی تنزل می دهند.

ج : گروه سوم از روشنفکران ترکمن در واقع در تحلیل و برداشت از مسئله ملی با گروه الف در یک ردیف قرار دارند با این تفاوت که آنان با عمده کردن تفاوتهای ملی و فرهنگی به اصل جدایی ملی می رسند. به زعم و سیاق این جمع هر ملتی می بایستی دارای کشور و پرچم جداگانه ای بوده و با این استدلال اصل خودمختاری ملی و فرهنگی را زیر سؤال برده و سازگاری و همزیستی متقابل چندین ملت را در یک کشور رد می نمایند.

مسئله ملی یا حقوق اقلیتهای ملی در تئوری و عمل

قبل از ورود به این بحث بسیار پیچیده و غامض که بنا به گواه و شاهد تاریخ همواره انگیزه غیرقابل انکاری در ارتباط با مناقشات خونین بین ملتهای مختلف داشته است. لازم به تذکر می دهم که هنوز هم که هنوز است مسئله ملی یا به دیگر سخن حق و حقوق اقلیتهای ملی به دور از دلبستگیهای ایدئولوژیک جریانات سیاسی مختلف به طور مستقل و جداگانه تعریف نگردیده است و

هرجا و هر زمان نیز وقتی تشهای ملی و درگیریهای قومی به امری انتاگونیستی و لاینحل تبدیل می شود ملتهای حق طلب به کنوانسیونهای ژنو و مصوبات مندرج از اعلامیه حقوق بشر که در مقطع جنگ جهانی اول و در زمان ویلسون و بعد از شکست ملل متحد به تصویب رسید روی می آورند. در صورتیکه اهمیت مسئله ملی بسیار فراتر از مصوبات جامعه ملل می باشد و طبیعتاً به یک راه حل قاطعانه و نوینی نیازمند است.

(لازم به یادآوری می باشد که حدوداً و در فاصله نزدیکی با به تصویب رسیدن مصوبات جامعه ملل و اندکی قبل از به پیروزی رسیدن بلشویکها در روسیه لنین با واهی دانستن طرحهای بورژوازی با اشتراک قدرتهای کاپیتالیستی مسئله حق تعیین سرنوشت و اتحاد داوطلبانه ملتهای سوسیالیستی تحت رهبری پرولتاریا یعنی «اتحاد شوراهای» را مطرح می نماید. اما خود این درک التقاطی از مسئله ملی و تناقضات آشتی ناپذیر دموکراسی سوسیالیستی ادعایی با واقعیت نکاندهنده دیکتاتوری پرولتری در عمل و در کنار بحران مزمن اقتصادی و تکنولوژیکی باعث فروپاشی و اضمحلال اتحاد شوروی میگردد.)

البته نباید هم فراموش کرد که این اتحاد در عمل آنگاه هم که بنیانگذاران اتحاد شوراهای انتظار داشتند داوطلبانه صورت پذیرفته و در هر کدام از جمهوری ها

پاسخ به مطالبات ...

مقاومت‌های خونینی بر علیه روسها صورت پذیرفته است. قطعاً به خاطر محوری و مرکزی بودن مسئله ملی بود که ابتدا و از سالیان دراز قسمت اروپایی شورایی (اردوگاه سوسیالیستی) در جهت استقلال از مسکو واکنش نشان می‌دهد و سپس آنها بخشهای دیگر آن در جهت آمال دیرینه خود کام بر می‌دارند.

مسئله ملی یا حاکمیت ملی

چیست ؟

در ارتباط با این مسئله تعریفهای متعددی از جانب جامعه شناسان و مردمشناسان در کشورهای مختلف صورت گرفته و هر کدام از آنان در ارتباط با تحقیقات خود تعریفهای ویژه ای از ملت ارائه داده اند.

بدون شک و یقین هر کدام از نظریه پردازان در تعریف از مسئله ملی مقاصد و منظور خاصی را تعقیب می‌نمایند و به عنوان مثال برداشتی که یک روانشناس اجتماعی از ملت دارد با یک تحلیل گر تاریخ و یا با ایدئولوگ حزبی میتواند متفاوت باشد.

در کشورهای سرمایه داری غربی از آنجایی که رشد و تکامل سرمایه به بازاری آزادی و امن تر نیاز داشته است و کما اینکه این نیاز به دنبال جنگها و مناقشات خونین قدرتهای سرمایه داری هرگز به نتیجه نرسیده بود، راهی نویدبخش برای لیبرالیسم و آزادیهای وسیعتر مدنی و اجتماعی برای انسانها یا به قولی برای شهروندان و تبعه پیدا می‌شود و کم کم و به دنبال رشد لیبرالیسم حقوقدانهای

مشهوری چون ژان لاک و منتسکیو و روسو در عرصه جامعه شناسی و حقوق و اسمیت و کینز و ... در اقتصاد و خلاصه خیلی ها در عرصه تئاتر و موسیقی و غیره پا به عرصه می‌گذارند.

لیبرالیسم و اصل آزادیهای فردی و اجتماعی بصورت نهادی و قانونی در میاید و کم کم کلیسا و قدرت های مستبد با مقاومت های وسیع مردم آزادی طلب یکی پس از دیگری درهم می‌شکنند کما اینکه به دنبال این آزادیخواهی ها نقشه جغرافیایی خیلی از قدرتهای بزرگ در هم می‌ریزد و بسیاری از ملت‌های اروپایی به عنوان ناسیونالهای جدید پا به عرصه حیات می‌گذارند و کشورهای کوچکتر نوینی متولد می‌شوند.

و اما در روسیه و به دنبال تعریفهای متناقض لنین از مسئله ملی، این بار استالین نیز می‌کوشد تا با سرهمبندی برخی از گفته های لنین بین سوسیالیسم انترناسیونالیستی و جنبشهای آزادیبخش ملی پیوندی ایجاد بنماید که در واقع جز تکرار تناقض کویی های لنین از مسئله ملی نبوده است.

و به این دلیل بود که بین سیاست داخلی اتحاد شوروی و سیاست خارجی آن در برخورد با مسئله ملی و یا به دیگر سخن با جنبشهای آزادیبخش تناقضی آشکار به وجود می‌آید و در شرایطی که هرگونه صدای آزادیخواهانه و استقلال طلبانه در داخل اتحاد شوروی با قهر تمام سرکوب میگردد در همان حال نهضت‌های آزادیبخش به ویژه در آسیا و افریقا با تمام قدرت و امکانات حمایت می‌شوند.

ادامه دارد ...

گوکی

ادامه از صفحه ۱۹

۱۲. رجوع کنید به دیوان شاه اسماعیل خطایی . به کوشش ترخان کنجه ای. ناپل ۱۹۰۹

Tourghan Gandjei, Il canzeniere Sah Ismaal Hatai و مقاله مینورسکی

تحت عنوان شعر شاه اسمعیل اول در BSOAS ص ۱۰۵۲، ۱۰۰۷، و همچنین پیرامون دیگر استاد مربوط به شاه اسمعیل به کتب چاپی موزه بریتانیا در لندن در ماده " اسمعیل اول " رجوع کنید.

۱۴. ترخان کنجه ای ص. ۱۸

۱۵. همان کتاب ص. ۷۲

۱۶. سفرهای يك سوداگر در ایران ص. ۲۰۶

۱۷. غزل شماره شانزده (۱۶)

۱۸. زندگانی شاه عباس اول ، جلد سوم ص. ۲۱

۱۹. همان کتاب ص. ۲۲

۲۰. همان کتاب ص. ۲۲

۲۱. رجوع کنید به تشکیل شاهنشاهی صفویه

احیا وحدت ملی ، مقدمه و همچنین

صفحات ۲۴۵، ۲۴۶ ایران در زمان صفویه ص.

ادامه از صفحه ۲۰ مستمقل ...

۱. پس از قتل نادرشاه، احمد درانی استقلال افغانستان را اعلام کرده ، آمادگی خود جهت تشکیل حکومتی مرکب از افغانستان و ترکمنستان را اعلام می‌کند. وی ملی یتیمی که به ترکمن ها می‌فرستد خواستار اعزام هیئتی از طرف آنها به افغانستان برای مذاکره در اطراف این مسئله میشود. چاردرخان که از طرف خلقی ترکمن به سرپرستی هیئت نمایندگی انتخاب می‌شود. به علت بست بودن مرز ترکمنستان و افغانستان بوسیله دولت ایران ، از طریق مرز و کرمان عازم افغانستان می‌شود. از آنجا که جاسوسان حکومت ایران از عزیمت این هیئت مطلع بودند. بنا به دستور حکومت مرکزی. چاردرخان و یارانش را در حوالی کرمان تعقیب و بازداشت کرده و به قتل می‌رسانند. ماننیم قولی در شعر خود تحت عنوان "چاردرخان" چنین می‌گوید:

آنخات پادشاهان حمار المانا.

امید اتدی ایل لر چودور ارچین.

ساع - سالامات باریب، قایدب کلساک.

انکادی انفا فر خودور جان اومین.

ماننیم قولی. انار برزیده. جلد اول، ص ۲۲۱

کوسوو، شکست شوونیسیم

در آستانه هزاره سوم میلادی دنیا با ناباوری در قلب اروپا، مظهر دموکراسی و آزادی، شاهد جنگ، کشتار، آوارگی و اعمالی غیرانسانی است. ماشین جنگی ناتو بحرکت درآمده و بمب و موشک بر مناطق نظامی و غیرنظامی یوگسلاوی فرو می ریزد. ارتش، پلیس و گروه های شبه نظامی صرب بیش از یک میلیون مردم آلبانی تبار کوسوو را از سرزمین خود اخراج نموده و خانه و کاشانه آنها را به آتش می کشند.

نظامیان و فرماندهان ارتش از هر دو طرف مدال گرفته و به عملیات خود افتخار می کنند. در این میان مردم کوسوو هستند که در اردوگاههای کشورهای همسایه در شرایطی بسیار اسفناک، رانده از دیار خود بسر می برند.

کوسوو منطقه وسیعی بمساحت ۱۱۰۰۰ کیلومترمربع که در مقابل ۲۰۰۰۰۰ نفر صرب حدوداً ۲ میلیون نفر آلبانی تبار جمعیت داشت. در سال ۱۹۱۸ به کشور یوگسلاوی ملحق شده و در سال ۱۹۴۵ در چارچوب آن کشور خودمختاری بدست آورد. کوسوو تا سال ۱۹۸۹ خودمختاری را علیرغم مخالفتها و کارشکنی های حکومت مرکزی بهر شکلی ادامه داد. در همان سال بعد از بقدرت رسیدن میلووسویچ، حکومت خودمختار کوسوو رسماً منحل اعلام گردید. کوسووها نیز در مقابل این عمل بلکراد در یک رفراندوم عمومی به استقلال خود رأی داده و ابراهیم یوکووا را بعنوان رئیس جمهور خود انتخاب نمودند که البته از طرف حکومت یوگسلاوی

به رسمیت شناخته نشد. فشار، اذیت و آزار حکومت مرکزی در دو سال اخیر بعد از اینکه در سال ۱۹۹۸ مجدداً یوکووا به ریاست جمهوری کوسوو انتخاب گردید افزایش یافت.

ناسیونالیسم صرب و نماینده سیاسی آنها رئیس جمهور یوگسلاوی میلووسویچ نقش اصلی را در این بحران بالکان بازی می کنند. آنها که خود را سوسیالیست نیز می نامند حق تعیین سرنوشت بیش از ۲ میلیون نفر مردم آلبانی تبار را زیر پا نهادند. صربها آنها را باندیت، دزد، شرور و با دیگر عناوین ضمدنی می نامند. حاصل سیاستهای ناسیونالیستی صربها در طی سالهای حکومت سوسیالیستی این بوده که یک ملت به حاشیه جامعه رانده شده و از امکانات آن جامعه محروم گشته است. حال نیز که این ملت حق و حقوق خود را در مقابل صربها می طلبد بیشرمانه آنها را دزد، باندیت می گویند. حکومت صربها در سالهای اخیر حتی خودمختاری محدود آنها را نیز نتوانستند تحمل کنند. بنظر آنها آلبانیهای این منطقه بایستی که به کشور آلبانی بروند. آنها می بایستی سرزمین آباء و اجدادی خود را، ماحصل کار و زندگی خود را رها نموده و آواره گردند و سرزمین آنها توسط صربهای ناسیونالیست غصب گردد. در پنجاهمین سالگرد حقوق بشر این عمل دولت بلکراد نقض بسیار خشن حقوق اولیه یک ملت بود.

مجامع بین المللی و در رأس آنها سازمان

ملل متحد می بایستی قاطعانه بر علیه این عمل ضدبشری اقدام نمایند و از طرق گوناگون و با تمام قوا مانع از پاکسازی یک ملت از سرزمین خود گردند. این وظیفه را که می بایستی بر عهده سازمان ملل باشد، پیمان ناتو بعهدہ گرفت. پس از عدم موفقیت مذاکرات برای حل این مسئله در رامبویه فرانسه ناتو تهدید به حمله نظامی کرده و بمبارانهای هوایی خود را شروع کرد.

ناتو و در رأس آنها آمریکا ظاهراً با نیت خیرخواهانه و بشردوستانه وارد این عملیات نظامی شدند و در توضیح و گزارشات عملکرد خود همیشه جنبه انساندوستانه و کمکهای مالی به آوارگان کوسوو را در کشورهای همجوار عمده می کنند.

ناتو و رهبر آن آمریکا با این عملیات خود می خواهند ضرب شستی را در نظم نوین بین المللی نشان دهند. آنها موشکها و هواپیماهای جنگی جدید خود را در این عملیات به مرحله آزمایش در آوردند. آنها به اعتراضات روسیه و چین هیچ وقعی ننهادند. چون بخوبی نیز میدانند که این دو ظاهر به ابرقدرت جهانی از نقطه نظر اقتصادی وابسته به همین غرب هستند. اینها نیز واقعیاتی از این بزرگترین درگیری نظامی در اروپا بعد از جنگ دوم جهانی هستند.

جنگ که همان ادامه سیاست است، خرابی

کوسوو . . .

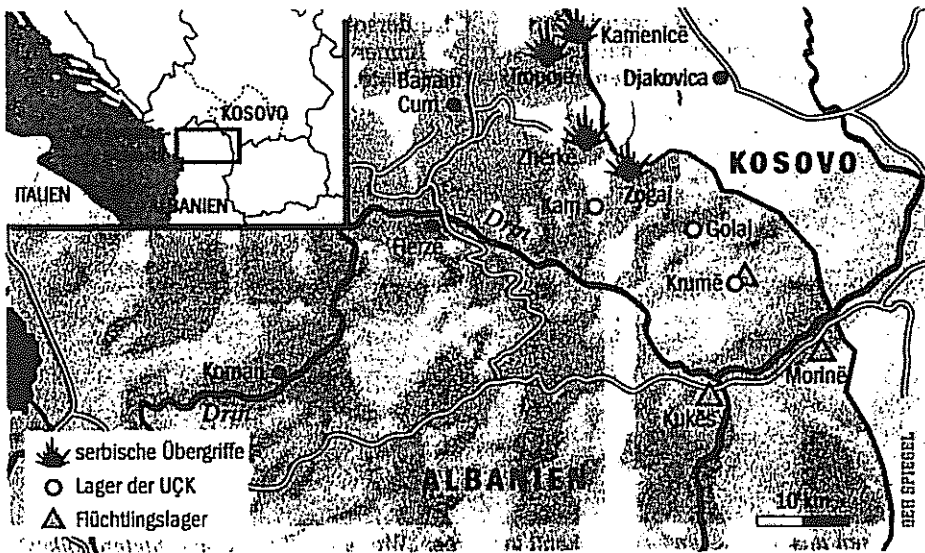
و کشتار فراوان به همراه دارد. تاکنون دویار کاروان آواره کان کوسوویی بجای خودروهای نظامی و یک بار نیز پایگاه نظامی کوسوویی ها موسوم به او.ج.کا بجای پایگاه نظامی پلیس یوکسلاوی مورد بمباران هواپیماها قرار گرفت که در هر بار نیز ۵۰ تا ۸۰ نفر کشته شدند. خبرگزاری دولتی یوکسلاوی بمباران کاروانهای آوارگان را با آب و تاب به سراسر جهان مخابره کرده و آنرا بعنوان جنایت ناتو اعلام می کند ولی نمی گوید که چرا این همه انسان سوار یک تراکتور و تریلی آن شده بودند. نمی گوید که پلیس و شبه نظامی های صرب خانه های آنها را آتش زده و آنها را به اجبار سوار تریلی کرده و رانده اند. از طرفی نیز رئیس جمهور یوکسلاوی میلووویچ رهبر در بند کوسوها، ابراهیم یوکووا، را به اجبار به دربار خود کشانده و در مقابل دوربین تلویزیون مظلوم نمایانه با وی دست داده و توافقنامه ای را هم امضاء می کنند.

در حال حاضر تلاشهای دیپلماتیک از جوانب مختلف در جریان است بلکه از گسترش خسارات جانی و مالی ممانعت بعمل آید. آیا این بمبارانهای هوایی تاکنون توانسته است موفقیتهایی داشته است؟ آیا از این وضعیت میتوان به نتایج مشخصی در اوضاع کنونی جهان دست یافت؟ پاسخ به اینگونه سؤالات با توجه به وضعیت گروه های اجتماعی و منافع ملی آنها متفاوت خواهد بود. یک کوسوویی که تحت سلطه و حقارت صربهای ناسیونالیست زندگی کرده و در نهایت از

سرزمین خود رانده شده ناتو را بسیار حق بجانب دانسته و بمباران آنرا تأیید می کند. برای یک صرب و بطور کلی کشورهایی که در درون خود ملیت های تحت ستم ملت حاکم دارند این عمل ناتو غیر قابل قبول خواهد بود. آنها همه ریکی در کفش داشته و ترس از خود دارند. ما ترکمن ها خود بخشی از طعم تلخ این درد را چشیده ایم و میدانیم که در سرزمین خود انسان درجه دو بودن چه معنایی دارد و چه احساسی نسبت به آنهايي که این سیاست تبعیض ضدانسانی را اعمال می کنند وجود دارد. درد ناکشیده معنی این درد را نخواهد فهمید. تاکنون ماشین جنگی یوکسلاوی آنچنان ضربه ندید ولی خسارات اقتصادی بسیار گسترده ای وارد شد و فشار روز به روز گسترش می یابد. میلووویچ مجبور به

پذیرش خواست مجامع بین المللی خواهد شد. سیاستهای شوونیستی شکست خواهد خورد و علیرغم سیاست پاکسازی حکومت بلگراد کوسوها به سرزمین خود، اما این بار با قدرت بیشتری بر خواهند گشت. در دنیای سیاست نمیتوان منزله طلب بود. فرشته عدالت نیز نمیتوان پیدا کرد. نمیتوان گفت که بر سر موضوعی این هم اشتباه می کند و آن دیگری هم. میزان درستی یا نادرستی امری اجتماعی نسبی بوده و حد آنرا میزان تعلقات تعیین می کند. در دنیای کنونی هر راهی سنگلاخی دارد. جستن راهی صاف و ساده یعنی راه نرفتن خواهد بود.

مشراد



طلای سیاه یا بلای منطقه

قسمت عمده نفت دریای خزر در سواحل این کشورها قرار دارد. اما بدلیل نبودن شبکه مناسب خط لوله برای صادرات آن به بازارهای جهانی توسعه و بهره برداری از این منابع بسیار محدود می باشد.

در آرزوی خط لوله

وضع درهم و فعلی کشورهای نامبرده بمثابة صاحبان اصلی نفت چه از لحاظ سیاسی و اجتماعی و چه از لحاظ اقتصادی در درجه اول بستگی کامل به نفت و در درجه دوم به موقعیت سوق الجیشی دارد. چون این کشورها برای انتقال نفت و گاز خود راهی به دریای آزاد نداشته و همچنین پولی برای سرمایه گذاری ندارند، برای انجام طرحهای صادرات نفت و گاز تقریباً مطیع هستند. قدرت های بزرگ اقتصادی غربی در راس آنها آمریکا با استفاده از همه قدرت یعنی قدرت دیپلماسی و اهرم تامین سرمایه ساختمان خط لوله، با اتخاذ تصمیم مسیر آذربایجان، گرجستان و ترکیه توانستند ایران را از کنسرسیوم خزر برانند و سعی میکنند نفوذ روسیه را هم در منطقه محدود کنند. خط لوله جدید نفت و گاز ترکمنستان و قزاقستان را از طریق لوله ای که از زیر دریای خزر عبور میکند و بطرف غرب به باکو میرسد واز ادامه در صفحه

امروزه هرگاه اسم نفت (همچنین خاویار) در دنیا برده میشود دریای خزر نیز متعاقب آن ذکر میگردد. وجود این قوه محرکه در بستر دریای خزر و در آینده سرازیر شدن آن به بازارهای جهانی و به حرکت درآوردن قسمتی از چرخ های تمدن امروز قهراً موجب آنست که دورنمای زیبایی از کشورهای حوزه آن تشکیل دهد و صاحبان حقیقی آن از خوان نعمت خداداد بهره ها برده و در غنا و آسایش کامل بسر میبرند زیرا مینا و مقیاس فقر و توانگری ملل در دنیای امروز بستگی خاص به مواد خام موجود در آن کشورها و منابع تحت الارضی آنان دارد. آیا حقیقت امر همین است ؟

موقعیت جغرافیایی

نیم نگاهی به نقشه جغرافیا نشان میدهد که دریای خزر بر خلاف آبهای بین المللی یک دریای بسته بشمار میرود و توسط کشورهای حوزه آن یعنی ترکمنستان، قزاقستان، روسیه، آذربایجان و ایران احاطه شده است. تا سال ۱۹۹۱ این دریا بر پایه عهدنامه دوجانبه روسیه و ایران در سال ۱۹۲۱ اداره شده است. ولی فروپاشی شوروی وضعیت جغرافیایی و سیاسی منطقه دریای خزر را بکلی تغییر داد. بدین معنی که کشورهای جدید و مستقل دیگری بر حوزه دریای خزر افزوده شدند. این کشورها عبارت هستند از ترکمنستان، قزاقستان و آذربایجان.

گفته اند کرداننده چرخ با عظمت تمدن امروز نفت است. همین نفت بود که در جنگ جهانی اول و دوم موجب پیروزی متفقین گردید و شکست معروف آلمان در جنگ وودن فقط در اثر براه انداختن سی هزار کامیون و اتومبیل متفقین بود که ارتباط ارتش را باجبهه برقرار ساخت و قشون آترا در هم شکست.

در پانزدهم دسامبر سال ۱۹۱۸ کلمانسو رئیس وزرای فرانسه به ویلسن رئیس جمهور آمریکا نوشت: 'اگر متفقین نمی خواهند در جنگ شکست بخورند فرانسه در موقع باریک حملات آلمان می بایست نفت را که از خون افراد در جنگ فردا لازم تر است دارا باشد'. مملکتی که نفت دارد امپراطوری را دارا خواهد بود. امپراطوری دریاها بوسیله مواد سنگین نفت. امپراطوری آسمانها بوسیله مواد سبک نفتی - امپراطوری خشکیها بواسطه بنزین و نفت - امپراطوری دنیا بوسیله قدرت مالی که بستگی بماده حیاتی دارد که قیمتی تر و احاطه کننده تر و مسلط کننده تر از خود طلا در روی زمین میباشد. اهمیت نفت چنان است که ارزش یک قطره آن مساوی با ارزش یک قطره خون می باشد. و این اهمیت نفت در دنیای صنعتی امروز نیز باقی است.

بنابه تشخیص شرکتهای نفت جهانی در بستر دریای خزر مقدار عظیمی از این مایه حیاتی وجود دارد. طبق آخرین آمارشان کشورهای حوزه دریای خزر منابع نفتی به ظرفیت ۳۰ بیلیون بشکه دارا میباشد. بی علت نیست که

ادامه از صفحه

طلای سیاه . . .

کرجستان میگذرد تا پس از عبور از مناطق جنوب شرقی ترکیه که مناطق کرد نشین و مرکز قدرت پ.ک.ک. می باشد به بندر سیهان در دریای مدیترانه برسد. این خط لوله در عرض دو سال احداث و مورد بهره برداری قرار میگیرد. مسئله امنیت مسیر خط لوله یکی از مهمترین مشکلات آن می باشد. این مشکل از این نظر بیشتر حائز اهمیت است که ناامنی با سرکوب نیروهای نظامی فروکش میکند ولی پس از آرامش، طوفانی شدیدتر پیش می آید. حال که مسیر بندر سیهان ترکیه برای ساختمان خط لوله انتخاب شده است همیشه این تردید وجود دارد که ممکن است بعلت عبور خط لوله از مناطق کردنشین ترکیه این پروژه جامه عمل بپوشد. بدون حل و فصل و یا قلع و قمع و یا با ربودن رهبر آنها بر خلاف قوانین بین المللی، این خط لوله امنیت عملیاتی نخواهد داشت.

شکست تاریخی ایران

تردیدی نیست که کشور ایران از لحاظ استراتژیکی، در منطقه از موقعیت ممتازی برخوردار است. ولی بهره جویی از این موقعیت ممتاز در دنیای صنعتی و جنگ اقتصادی امروز مغز باهوش طلب میکند نه مغز خشک و فرسوده. فروپاشی شوروی و در نتیجه آن اوجگیری اهمیت نفت و گاز دریای خزر فرصت طلایی در اختیار دیپلماسی ایران گذاشت. ایران با استفاده از موقعیت جغرافیایی خود میتواند

به مهمترین گذرگاه نفت و گاز ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان بدل شود و از این راه نه فقط بر اهمیت سوق الجیشی خود می افزود بلکه به درآمدهای آسان و کلانی هم دست میافت. اما از بخت بد، سران ج. ا. از آغاز کار با اتخاذ دیپلماسی 'اسلام' و ادعای ناسیونالیستی در عرصه سیاسی همسایگان شمالی خود وارد شدند و در جهت پر کردن جای خالی روسها بر آمدند. از سوی دیگر هم بدون در نظر گرفتن معاملات بین المللی در منطقه ای که مرکز توجه قدرت های بزرگ اقتصادی گردیده، با آنها به رقابت و ضدیت پرداختند. سیاست های نابخردانه آنان باعث شد که ایران در بزرگترین میدان اقتصادی جهانی که در مرزهایش واقع شده منزوی گشته و از صحنه مبارزه طرد گردد.

عدم شناخت و یا شناخت ناکافی از قوانین بازی بزرگ از سوی سران ج. ا باعث گردید که ایران یکی از بزرگترین برگهای برنده خویش را برای همیشه به ترکیه بیازد و چیزی جز باد و مستی شعار در دستشان نماند.

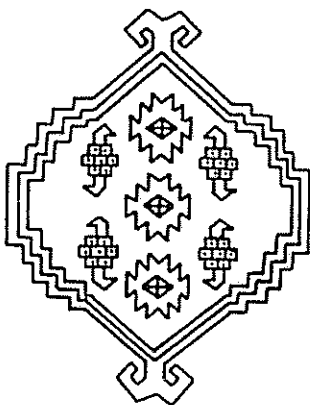
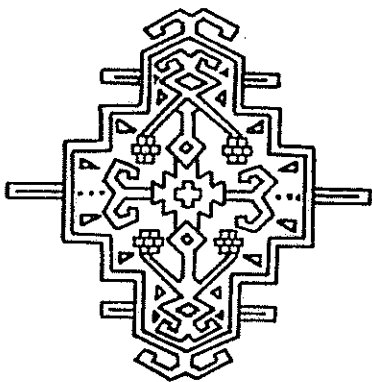
آلودگی بیشتر دریای خزر

خط لوله نفت که قرار است از زیر دریای خزر عبور کند مسایل جدی آلودگی و بهم زدن محیط زیست در دریای خزر را بوجود می آورد. هرگونه نشت نفت از این خط لوله که در آن منطقه بسیار دیده میشود موجب از بین بردن نسل آبزیان، بخصوص ماهی ها از جمله استرژنهای مولد خاویار میگردد.

موقعیت جغرافیایی دریای خزر که یک دریای بسته بشمار میرود و محل سکونت و امرار معاش میلیون ها نفر ساکنین کشورهای مربوط به آلودگی محیط زیست بسیار حساس و قابل اهمیت بوده و بدون تردید سازمانهای بین المللی حفاظت محیط زیست از جمله سازمان کشورهای ساحل دریای خزر باید در امر مطالعات و ایجاد خط لوله مورد نظر دخالت و نظارت مستقیم داشته باشند.

موسی

لرتن (ترکمن) ترنج



لرتن (ترکمن) ترنج

اخبار مربوط به همایش بزرگداشت "مختومقلی" در ترکمنصحرا

بمناسبت دویست و شصت و ششمین سالروز تولد مختومقلی فراقی شاعر ملی ترکمن، بنیانگذار زبان ادبی ترکمنی برای اولین بار در شهرهای مختلف ترکمنصحرا مراسم یادبودی برگزار شد. برگزاری این مراسم اقدامی است مثبت و در مرحله اول نوعی طرح مسائل و درخواست های ملی ترکمنهای ایران است. مختومقلی بنا به نوشته ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران یکی از مفاخر مشرق زمین و بنیانگذار شعر کلاسیک ترکمن است و در سال ۱۱۵۲ هجری قمری در روستای حاجی قاشان در نزدیکی کنبد بدینا آمد و در سن ۵۷ سالگی دار فانی را وداع گفت و در روستای آق توقغای مراواتپه در جوار مقبره پدرش دولت محمد آزادی به خاک سپرده شد. با توجه به اهمیت این امر اخبار و گزارش های مربوط به این مراسم را بصورت جداگانه آورده ایم.

بندر ترکمن - در شهرستان بندر

ترکمن ستاد بزرگداشت مراسم یادبود مختومقلی تشکیل شد. سید ابولفضل دوست محمدیان معاون سیاسی امنیتی استانداری گلستان و دبیر ستاد بزرگداشت هفته مختومقلی در پانزدهم ماه مه در مراسمی که از سوی دانشگاه پیام نور بندر ترکمن اجرا شد می گوید: بزرگداشت "مختومقلی" بزرگداشت علم و دانش، اسلام و ارج نهادن به آزادی و عدالت خواهی است. وی افزود که نام و یاد این اندیشمند ایرانی نه تنها در استان گلستان بلکه به وسعت خاک پاک ایران

آق قلا - روز پنجمین پانزدهم ماه مه سال

۹۱ میلادی مراسم یادبودی در آق قلا برگزار شد. در این مراسم یکی از سخنرانان در رابطه با ارزش مقام مختومقلی میگوید: اگر امروز نام او بر تارک اندیشه، ادب، عشق، معرفت و فضیلت انسانی مثل خورشید تابان است، به دلیل تربیت و ارادتی است که وی نسبت به اسلام داشت. و شناساندن افکار و اندیشه های والای مختومقلی به جوانان ضروری است. امروز قوم ترکمن باید برای داشتن چنین شخصیتی مباحثات کند.

بخشدار شهر آق قلا، آقای آنه جان آرخی می گوید: متأسفانه در دوران رژیم گذشته در زمینه احیاء شخصیت اسلامی این شاعر بزرگ اقدامی انجام نگرفت، لیکن بعد از انقلاب اسلامی از سوی مسئولان نظام در این زمینه تلاش شایسته ای صورت پذیرفت.

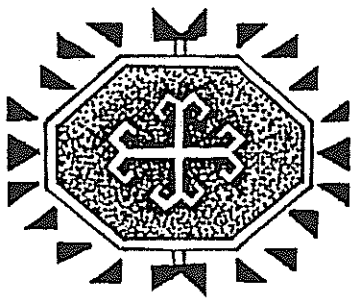
کنبد - همایش یک روزه بزرگداشت

"مختومقلی فراقی" شاعر ملی ترکمن با حضور شخصیت های علمی داخلی و خارجی، ۲۶ اردیبهشت (ماه جاری ۱۶ مه) در کنبد برگزار شد. در این همایش محققان و ادیبان کشورهای مختلف از تاجیکستان و ترکیه و همچنین دانشگاههای ایران نیز مقالات خود را خواندند.

است. شناخت ابعاد فکری مختومقلی باید در محافل و مجامع علمی و دانشگاهی با جدیت پی گیری شود تا در ردیف سعدی، حافظ و مولوی به جامعه ایران و سایر کشورها معرفی شود. وی در ادامه سخنان خود مختومقلی را در زمره نخبگان ادبیات ایران و جهان دانست. فرماندار بندر ترکمن نیز در این مراسم بزرگداشت مختومقلی را یکی از مفاخر دانست و تجلیل از اندیشمندان و شاعران را یکی از سیاست های اصلی دولت و شخص خاتمی دانست. این مراسم با ارائه مقالات محققان، و شاعران و یاد و خاطره او و همچنین با اجرای سروده هانی در وصف او به پایان رسید.

کومیش تپه - در کمیش تپه نیز

مراسم بزرگداشت مختومقلی برگزار شد. در این مراسم که تعداد کثیری از مردم شرکت داشتند سخنرانی های زیادی از سوی محافل ادبی و فرهنگی شد. برخی از مسئولان جمهوری اسلامی در این مراسم سخنرانی کردند. از جمله این افراد حبیب الله قلیشلی مدیر کل فرهنگ ارشاد اسلامی استان گلستان بود. وی در این مراسم گفت که شناخت مختومقلی فقط به عنوان عارف میسر است و مختومقلی قبل از اینکه شاعر باشد عارف است، عارف به وحی، کتاب خدا، به اخلاق اسلامی. در جهان بینی مختومقلی انسان مسلمان شیعه و سنی دو بازوی قوی اسلام هستند. و دنیا بدون شیعه و سنی به خطر می افتد. مقامات جمهوری اسلامی و همه سخنرانان سعی کردند که جنبه های مسلمان بودن و اعتقاد وی به جهان بینی اسلامی را مطرح کنند. بخشدار کومیش تپه، موسی جرجانی نیز در این مراسم می گوید: مختومقلی یکی از مفاخر ملی ایران و پدر ادبیات ترکمنی لقب گرفته است.



نیلبه (ترکمن) گل قاصد

آق توقغای - نقطه اوج این مراسم

بزرگداشت مراسم بزرگداشتی در محل مزار مختومقلی بود که در آن مهمانان داخلی و خارجی نیز حضور داشتند. آق توقغای محل است در شمال شهر کنبه و ترکمن ها از سراسر ترکمنصحرا با وجود مشکلات ارتباط و وسائل نقلیه به مزار این شاعر می روند. در آخرین روز مراسم یعنی در هفدهم ماه مه سال ۹۶ نیازوف، رئیس جمهور ترکمنستان در راس یک هیات یکصد نفره برای شرکت در مراسم بزرگداشت مختومقلی راهی ترکمنصحرا شد. این هیات شامل شخصیت های فرهنگی، ریش سفیدان و اکثر اعضای هیات وزیران ترکمنستان بود. همچنین تعداد کثیری از ترکمن های ترکمنستان وارد ترکمنصحرا شدند و همراه با هزاران ترکمن ایرانی در این مراسم شرکت داشتند.

ترکمن های ایران از شهر ها و روستاهای مختلف مدتها پیش از آغاز این مراسم بسوی آرامگاه مختومقلی سرازیر شده بودند. در این مراسم علاوه بر مقامات رسمی و دولتی محلی از استان گلستان، عطااله مهاجرانی وزیر فرهنگ ارشاد اسلامی نیز در آن شرکت کرد. دانشمندان، محققان ادبی از کشورهای تاجیکستان، ترکیه و از ادیبان و استادان دانشگاه های ایران نیز شرکت داشتند و سخنرانی کردند. نیازوف در سخنرانی خود گفت: امروز برای مردم ایران و ترکمنستان یک روز فراموش نشدنی بوده و باعث تحکیم دوستی این دو کشور خواهد شد. رئیس جمهور ترکمنستان ساخت بنای یادبود مقبره مختومقلی و پدرش دولت محمد آزادی را نشانه ای از دوستی و مودت مردم ایران و ترکمنها دانست و این بنا نشانگر عمق احساسات مردم ایران می باشد و من از رئیس جمهوری محترم ایران تقدیر می کنم. وی در ادامه سخنان خود افزود: دو ملت از دیر باز دارای روابط

اقتصادی خوبی بوده اند که جاده ابریشم نمونه از آن بوده است. نیازوف گفت: ادبیات فارسی توسط شاعرانی نظیر فردوسی، حافظ، سعدی و جامی تاثیر عمیقی بر ادبیات ترکمن گذاشته است. رئیس جمهور ترکمنستان افزود، مختومقلی در قرن ۱۸ میلادی ادبیات را با مردم آشتی داد و در آثار او تاثیرات زیادی از اشعار دیگر شعاری ایران دیده می شود. و علاوه بر آنکه مختومقلی در قطعه ای از اشعارش آرزو کرده است که در مقام شعرای بنام ایران نظیر حافظ، مولوی و سعدی قرار می گرفت، در دست نوشته ای که اخیراً از دولت محمد آزادی پدر این شاعر بدست آمده از بزرگان علم و ادب ایران یاد شده است. نیازوف همچنی گفت، با ترجمه اثر مختومقلی به زبان فارسی قدم های اساسی در روابط فرهنگی دو کشور برداشته خواهد شد. نیازوف در پایان سخنانش گفت که دولت ترکمنستان از آقای خاتمی برای سفر رسمی به ترکمنستان دعوت به عمل آورده است و دولت های ایران و ترکمنستان در حال تهیه تفاهم نامه هایی هستند.

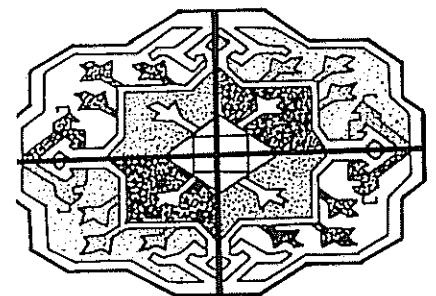
وزیر فرهنگ ارشاد اسلامی عطاء الله مهاجرانی نیز در این آئین از طرف آقای خاتمی رئیس جمهوری به آقای صفر مراد نیازوف و هیات همراه او خوش آمد گفت. وی از مسئولین استان گلستان که در مدت کوتاهی بنای یادبود مقبره مختومقلی را آماده کرده بودند، قدردانی کرد. مهاجرانی افزود، با توجه به رهبری آقای نیازوف در ترکمنستان و نیز توجه رهبر و ریاست جمهوری ایران شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ایران و ترکمنستان در بهترین وضعیت می باشد. وی افزود ملت های ایران و ترکمنستان در یک تاریخ باهم زندگی کرده اند هر دو ملت نشانه های وابستگی فرهنگی و تاریخی به یکدیگر را دارند که این نشانه ها جاودانه است. مهاجرانی افزود، مختومقلی یکی از کلیدهای رابطه بین دو کشور ایران و ترکمنستان

است زیرا او یک شاعر معمولی نیست. وزیر فرهنگ ارشاد اسلامی گفت، مختومقلی جاودانه باقی خواهد ماند به خاطر اینکه او به امور جاودانه ای پرداخت و به آنها نیز پیوست. مهاجرانی مهمترین مشخصه های مختومقلی را معنویت، عرفان و توحید دانست و افزود، آزادی و آزادگی و مبارزه ای که وی با ظلم و ستم روزگار خود داشت از دیگر مشخصه های اوست که در این راه رنج زیادی نیز از جمله اسارت را تحمل کرد. وی عشق و محبت نسبت به مردم را از دیگر ویژگی های مختومقلی دانست و گفت تقریباً در همه دیوان مختومقلی این توجه موج می زند. مهاجرانی در پایان سخنانش گفت، کاری که مختومقلی در زبان ترکمنی انجام داد شباهت بسیار زیادی به کار داتش شاعر ایتالیایی و فردوسی در زبان فارسی دارد و اشعار او دایره المعارفی از رنج ها، تاریخ، زندگی و غم هاست.



انعکاس مراسم بزرگداشت در مختومقلی در مطبوعات ایران

برگزاری مراسم سالگرد مختومقلی مصادف بود با سفر خانمی به سه کشور عربی و بدین خاطر این سفر در راس اخبار محافل و مطبوعات ایران و همچنین رادیوهای خارجی قرار داشت. روزنامه های ایران فقط به نشر خبر برگزاری مراسم بسنده کرده بودند و هیچگونه گزارش یا مقاله ای در اینباره چاپ نکردند. البته خبرگزاری ایرنا مرتباً گزارش های انجام مراسم در شهرهای مختلف ترکمنصحرا و همچنین بخشی از متن سخنرانی های نیازوف و مهاجرانی را منتشر کرد. در مطبوعات فارسی زبان خارج کشور نیز این امر انعکاس نیافت. قابل ذکر است که برخلاف انعکاس ضعیف این مراسم در مطبوعات سرتاسری چاپ ایران، نشریات محلی چاپ ترکمنصحرا، مازنداران و گیلان گزارش های مفصلی از اجرای همایش ها و مراسم های مختلف چاپ کردند. بنا به نوشته این مطبوعات استقبال مردم از این مراسم برخلاف انتظار بسیار وسیع بود. در میان رادیوهای خارجی به غیر از رادیو صدای آزادی به زبان ترکمنی و به زبان فارسی در هیچیک از رادیوهای فارسی خارج از کشور انعکاس نیافت.



نکه گل؛ موری (نکه) مارگل

نظر برخی شرکت کنندگان همایش درباره مختومقلی

دکتر لقمان بایماتف از محققین

جمهوری تاجیکستان، مختومقلی را شخصیتی ارزیابی می کند که برای ایجاد پیوند بین ملت‌ها نه تنها فارس و ترکمن، بلکه برای تمام بشریت خدمات بسیار ارزنده ای انجام داده است. وی می گوید، برگزاری اینگونه همایش ها برای گسترش و تعمق روابط ایران با کشورهای همسایه ضروری است. دکتر بایماتف در مصاحبه ای با خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی مختومقلی را با شعرای عارف بزرگ فارسی گوی مقایسه کرد و گفت مختومقلی خدماتی را که این شاعر به فرهنگ فارسی کرده اند با بیانی شیوا به زبان ترکمنی برای ترکمنها انجام داده است.

دکتر رحمان مشتاق مهر از دانشگاه تربیت معلم تبریز مختومقلی را با مولوی مقایسه می کند و می گوید، این هر دو شاعر شعرایی هستند که وجوه عرفان و مردمی بودن را در خود جمع کرده اند. وی همچنین می گوید، مختومقلی علاوه بر اینکه در خلوت خودش عارف بزرگی بود، شاعری مردمی بود که در اشعار خود آلام و رنج های آنان را بیان کرده است. و مختومقلی با پرهیز از خودمحوری بیان کننده عواطف و احساسات مردمش شد و به محبوبیت رسید و اینگونه اشخاص تا زمانیکه مردمش زنده هستند زنده خواهند بود.

خانم پروین دخت مشهور نیز مقام مختومقلی را بسیار والا دانست و گفت او حداقل در بین ترکمن ها در قله محبوبیت و شهرت قرار دارد. او راز این محبوبیت مختومقلی را در فارغ از تعصبات فرقه ای، مذهبی و ملیتی دانست.

انعکاس مراسم بزرگداشت مختومقلی در ترکمنستان

عشق آباد - برگزاری مراسم بزرگداشت

مختومقلی در ترکمنصحرا انعکاس وسیعی در مطبوعات و محافل فرهنگی، هنری و خبری ترکمنستان داشت. بر اساس گزارشی، در جلسه هیات دولت ترکمنستان نیازوف بخش عمده ای از وقت جلسه را به مسأله برگزاری مراسم بزرگداشت سالگرد مختومقلی در ترکمنصحرا اختصاص داد. وی از تصمیم جمهوری اسلامی ایران برای برگزاری مراسم بزرگداشت مختومقلی قدردانی کرد و گفت که برای شرکت در این مراسم به ایران سفر خواهد کرد. نیازوف توجه ایران به شخصیت و آثار مختومقلی را یک امر مهم تلقی کرد و گفت یک هیات صد نفره از سوی ترکمنستان برای شرکت در این مراسم راهی ایران خواهد شد. نیازوف اقدام جمهوری اسلامی را در جاودانه ساختن آثار مختومقلی و دولت محمد آزادی (پدرمختومقلی) و ایجاد یک مجموعه ادبی و فرهنگی در محل مقبره این شاعر ترکمن ستود. مطبوعات ترکمنستان از جمله روزنامه های ادبیات و صوتغات و "ترکمنستان" یا چاپ خبر برگزاری این مراسم در ایران هر یک مطالبی در خصوص شخصیت تاریخی و ادبی و فرهنگی شاعر منتشر کرده و طی روزهای برگزاری مراسم با چاپ گزارش و مقالاتی پیرامون شخصیت ادبی و فرهنگی مختومقلی، ایجاد یک مجموعه فرهنگی و ادبی در کنار مقبره وی را امری مهم و ارزنده خواندند. رادیو و تلویزیون ترکمنستان نیز گزارش برگزاری مراسم سالگرد مختومقلی را مرتب پخش کردند

بازماندگان حسن پادشاه

در نوشته قبلی که در "ایل کون" تحت عنوان "سلسله دودمان بایندری" آمده است گفتیم که امیر حسن بیگ بنیانگذار دودمان بایندری شب عید فطر سال ۸۸۲ هجری قمری پس از بیماری کوتاه در تبریز در گذشت. لذا بعد از درگذشت این پادشاه عادل، ایران عهد بایندری به پسران وی یعنی خلیل، یعقوب، مقصود، یوسف و مسیح میرزا میرسید. در بین اولاد حسن پادشاه مقصود بیگ و خواهرش حلیمه بیگی آقا (مشهور به مارتا، همان مادر شاه اسمعیل) از زن عیسوی حسن پادشاه بودند. در این بخش از مقاله به رویدادهای عهد یعقوب بایندری، به تلاش های وی در راه اصلاحات ارضی و مالیاتی و همچنین به رفتار پادشاهان صفویه با پیروان مذهب تسنن بعد از انقراض دودمان آن قویونلوها در سال ۹۲۱ هجری قمری (۱۵۱۵ میلادی) پرداخت میشود.

پادشاهی خلیل

خلیل میرزا بر خلاف پدرش مردی به غایت خسیس، بخیل، بی مروت و بی تدبیر بود. وی چند روزی پس از درگذشت پدرش تاجگذاری کرد و هنوز بر سریر پادشاهی تکیه نزده از ترس دو برادر دیگر خویش یعقوب و یوسف میرزا را مشترکا به حکومت دیاربکر گماشته آن دو را با ملکه روانه "قلعه آمد" کرد. (۱)

مری یعقوب میرزا، سلیمان بیگ بیژن مشهور به شجاع الدوله از بزرگترین سرداران دوران حسن پادشاه بود. خلیل به منظور آنکه میان این مرد با نفوذ نیرومند و برادر کهنتر خود جدائی اندازد به سلیمان بیگ بیژن سپهسالاری لشکریان ایران دوره بایندری را با مستمری ثابتی، برابر هزار تومان در سال پیشنهاد کرد. (۲)

وفاداری و دورانیشی سلیمان به مراتب زیادتر از آن بود که فریب چنان مقام و درآمندی را بخورد. به همین سبب سردار ورزیده و دلیری که پاره ای از پیروزیهای درخشان عهد حسن پادشاه بایندری به ضرب شمشیر و نیروی اندیشه وی میسر گردیده بود پنهانی از تبریز بیرون آمد و خود را به شاهزاده یعقوب رسانید و همراه دو برادر آواره متوجه "قلعه آمد" گردید.

یکی از نخستین کارهای خلیل پس از نشستن بر اریکه پادشاهی فرستادن نماینده ای به دربار سلطان عثمانی، محمد دوم، برای اعلام مرگ پدر و تجدید مراتب دوستی میان دو کشور بود. بعد حکومت ایالت فارس را به فرزندش الوند میرزا بخشید. مسلما در میان خویشاوندان و بستگان خلیل پادشاه اشخاصی بودند که به حکم نزدیکی با پادشاه و کفایت و کاردانی شخصی، استحقاق چنین منصبهایی را داشتند اما دست تهی ماندند. یکی از محرومان مراد بیگ فرزند جهانگیر عموزاده پادشاه بود که حکومت ساوه را داشت و مردی بسیار جاه طلب و جسور بود. مراد که از نارضایی اطرافیان و بویژه

بعضی از سرداران حسن پادشاه آگاهی داشت و تصور میکرد که میتواند بر روی موجی از این شکوه ها و محرومیت ها خود را به تاج و تخت دودمان ایل قراقویونلو را به دور خود جمع کرد و به سوی تبریز لشکر کشید. خلیل پادشاه سردار خود منصور پرنانک را مامور خوابانیدن قتنه مراد کرد. مراد که تاب برابری در خویش نمی دید گریخت و اندکی بعد کشته شد.

با آنکه قتنه مراد بیگ دیر نپایید اما از روال کار حکومت آشکار بود که جایی برای امید به تجدید دوران امن و عدالت سر سلسله دودمان بایندری باقی نمانده است. فراهم آمدن زمینه و پشتیبانی اکثر بزرگان از یعقوب و نارضایی خود مردم کشور، اعم از آنکه واقعیت داشت یا ناشی از غرض ملکه مادر بود، شاهزاده جوان را بر آن داشت که کار برادر نابخرد و کوتاه بینش را یکسره کند. در جنگی که نزدیکی مرند روی داد سرانجام خلیل پادشاه به هلاکت رسید و یعقوب شش ماه پس از مرگ پدر در تبریز بر اریکه پادشاهی نشست.

پادشاهی یعقوب

یعقوب مانند پدرش امیر حسن بیگ پادشاهی دادگستر، مهربان، رعیت پرور، و خطا پوش بود. بر خلاف پندار همگان خویشاوندان سرکش را بخشود و به گرم

بازماندگان ...

و لطف خویش معتمد گردانید. بدین سان در عرض چند ماهی که از رفتن یعقوب به به تبریز گذشته بود دوباره آسایش بر سراسر کشور حکمفرما و عدل دامن گستر گردیده بود. چنانکه دربار یعقوب انجمن دانشمندان و شاعران به شمار میرفت. از نخستین کارهای این پادشاه جوان پس از نشستن بر اریکه پادشاهی بخشیدن مالیات بخشهای مختلف کشور بود. به گفته یکی از مورخان جمع کل این مالیاتها که در دوره های گذشته و بویژه دوران زمامداری قراقویونلو کمربشکن شده بود يك قلم به مردم بخشیده شد. (۲)

آغاز اصلاحات ارضی و مالیاتی

از آنجا که مالیات ها و عوارض دوران پادشاهی یعقوب با آنچه در عهد زمامداری پدرش وضع شده بود چندان تفاوتی نکردمسلما این اقدام خیرخواهانه را باید همانند کارهایی دانست که معمولا هر پادشاهی در آغاز دوران زمامداری خویش برای بدست آوردن دل رعیت انجام میدهد. اما تنها اقدامی که برای برهم زدن شیوه مالکیت ارضی و نظام زمین داری صورت گرفت به سالهای آخر زمامداری یعقوب پادشاه تعلق داشت و چنانچه بعدا خواهیم گفت کوششهایی که در این زمینه شد با توفیق قرین نبود.

چون کشمکشهای داخلی و جنگهای خارجی جای خود را به صلح و امنیت داد مردمی

گوناگون راست کرده بودند دوباره به ترمیم خرابیها و نوسازی سرکرم گردیدند. بطور کلی میتوان گفت که دوازده سال پادشاهی یعقوب از نظر آرامش و آبادانی دنباله دوران پادشاهی امیر حسن بیگ بشمار می آید. علاوه بر تبریز که پایتخت سلسله بایندری بود سایر شهرهای مهم ایران نیز از آرامش و آبادانی برخوردار گردیدند.

تشویق شاعران و هنرمندان

علاقه پادشاه جوان به علم و هنر، به ویژه بر اثر تشویق و راهنمایی معلم و مریش شیخ عیسی ساوجی سبب بسط فرهنگ و دلگرمی دانشمندان و محققان و شاعران این دوره گردید. افراد خاندان بایندری اغلب مردمی باسواد، شعردوست و هنرپرور بودند چنانکه مثلا ابراهیم فرزند جهانگیر عموزاده یعقوب خود به شیوه ای نغز و استادانه شعر میگفت و از ریاضیات و هندسه بطلیموس به خوبی آگاهی داشت. (۳)

حتی شاعران بزرگی از طراز عبدالرحمان جامی که دور از پایتخت و دربار یعقوب بودند از لطف و عنایت این پادشاه برخوردار شدند.

در ۸۹۲ هجری قمری که نهمین سال پادشاهی یعقوب بود به فرمان وی یکی از معتمدان درباری مبلغ ده هزار سکه شاهرخی که به حساب هر عهدهی ثروت کلانی است بر سبیل تحفه نزد عبدالرحمان جامی به خراسان برد و به گفته مورخ دوره یعقوب، جامی آن بزرگترین عارف سخن سرای دوران منظومه سلامت و اقبال خویش را به نام یعقوب بایندری ساخت. (۴)

به تاکید میتوان گفت که عبدالرحمان جامی به دودمان بایندری ارادت میورزیده است و چند بیتی که در آغاز مثنوی سلامت و اقبال پیرامون گفت و شنود خویش با حسن پادشاه در عالم خواب ساخته و احساساتی که در سوگ یعقوب به قاب رباعی معروفش ریخته است :

عمری دل من زشوق یعقوب طپید

یعقوب برفت و روی یعقوب ندید

رنجی که به من از غم یعقوب رسید

یعقوب ز هجر یوسف هرگز نکشید (۵)

گوناگونی مالیات ها

اصلاحات ارضی عهد یعقوب مهمترین رویداد دوران زمامداری جانشینان حسن پادشاه است. تا این زمان با تمام کوششهایی که حسن پادشاه در عرض ده سال زمامداریش صورت داده بود هنوز وضع مالیات و جمع آوری در آمدهای عمومی رضایت بخش نبود.

اصول مالیات بندی به قدری بغرنج و مالیاتها بقدری گوناگون بود که غالبا اجرای عدالت و جمع آوری مالیات ها با هم تعارض داشت. هر کس به نسبت و نوع کاری که انجام میداد مشمول پرداخت ده یا دوازده گونه مالیات بود، مثلا در حالی که زمین دار مشمول مالیات ارضی میشد اگر در زمین خود تاکستان داشت مکلف بود که برای تاکستان مالیاتی علیحده بپردازد، و اگر از ناحیه کشاورزی و دامداری نیز درآمدهایی داشت هر قلم از آن درآمدها نیز مشمول مالیاتی جداگانه

بازماندگان ...

میشد. بازرگان گمنام ونیزی در سفرنامه اش اشاره کرده است که هر بازرگان یا استادکاری که در بازار دکانی داشت علاوه بر مالیات حرفه به مقتضای محل دادوستد و وضع کار خود نیز به پرداخت مبلغی که بازرسان مالیاتی معین میکردند مکلف بود.

(۷)

نخستین کوششی که برای رفع این گونه مظالم مبذول گردید از جانب بنیانگذار سلسله بایندری، حسن پادشاه بود. وی در صدد برانداختن کلیه مالیات هایی که بر سرمایه و دارایی تعلق میگرفت بر آمد، اما با مخالفت شدید امرای کشور و طبقه بانفوذی که علاقه مند به حفظ وضع موجود بود مواجه شد. از آنجا که بدون جلب موافقت این گروه هیچ گونه اصلاحی ممکن نبود لذا حسن پادشاه اساس جمع آوری مالیات بر سرمایه و درآمد را يك بر بیست کرد به این معنی که از هر بیست درهم سرمایه فقط يك درهم مشمول مالیات گردید، و لذا جمع کل مالیات کشور به نصف کاهش گرفت.

این تغییر اساسی و رفع تناقض های چندی که در جمع آوری مالیات بود بار مردم را به مراتب سبکتر کرد. چون در آمد و عواید عمومی کاهش یافت و هزینه نگهداری ارتشی مرکب از سواران دانشی تغییری نکرد رفته رفته ضرورت اصلاحات ارضی آشکار شد. در دوران پادشاهی یعقوب ضرورت اجرای چنین طرحی روشن تر گردید.

تا هنگامی که نظام زمین داری کهن از هم پاشیده نشده بود هزینه جمع آوری و نگهداری لشکریان دانشی و موقت و همچنین مستمری سرداران و سران سپاه و امرای

لشکر از محل اقطاعها و سیورغالها تامین میشد. اقطاع اعم از اقطاع شخصی یا دیوانی به معنی واگذار کردن زمین بود. از دوران زمانداری سلجوقیان و خوارزمشاهیان رسم بر این جاری شده بود که یا زمین را به سرداران و امیران تفویض کنند و یا عواید آن را ببخشند. در هر صورت دارنده اقطاع خودش مکلف به جمع آوری عواید و مالیات ها از رنجبران و کشاورزان و دامپروران و بالاخره روستاییان ملك خود بود، و از محل این درآمدها هزینه سپاهیان خود را می پرداخت و مستمری خود را بر میداشت. از دوران مغول به بعد بر همان اساس اقطاع، بخشیدن سیورغال معمول گردید و از این پس سیورغال بر همه قطعه زمین یا ملکی اطلاق می شد که عین آن یا عواید حاصل از آن را در ازای حقوق و مستمری به سردار یا امیر یا افسری دیوانی تفویض کنند. معمولا این گونه سیورغالها طبق نظر پادشاه از پاره ای مالیاتها و عوارض معاف میشد. یکی از این سیورغالهای عهد بایندری را سراغ داریم که دست کم از سی گونه مالیات معافیت داشته است. (۸)

برای ایجاد نظم نوینی در زمینداری و جمع آوری مالیاتهایی که عده ای از امیران و سرکردگان ارتش به میل خود می ستاندند و به خزانه عمومی نمی دادند. شیخ عیسی ساوجی که قدرت و نفوذش از خود یعقوب پادشاه کمتر نبود چاره ای اندیشید. ظاهرا نظر مربی و معلم پادشاه (منظور شیخ عیسی ساوجی) آن بود که مالیاتهای جاری را بکلی موقوف کند و اصول زمینداری را برپایه جدیدی استوار سازد تا بتوان از مالکان جدید طبق تعرفه ای جدید در آمدی معادل عواید حاصل از مالیاتهای قدیمی

گرفت. اوایل ۸۹۴ هجری قمری (۱۴۸۹ میلادی) خیر مقررات جدید در سراسر عراق و فارس اعلام گردید و ماموران حکومت و بازرسان مالیاتی طبق نظام جدید به تمامی زمینداران ابلاغ کردند که تا مقررات مزبور عملی نشده است و حدود املاک نوین معلوم نیست باید از گرفتن مالیات و دادن حصه خود به خزانه عمومی خودداری ورزند. ظاهرا اجرای فرمانهای حکومتی چنان دقیق و بی تبعیض صورت گرفت که به گفته مورخ دربار یعقوب هیچ يك از ماموران به قبول پولهای نقد و قماشهایی که بر سیل رشوه از طرف صاحبان سیورغال داده میشد حاضر نگردید. (۹) در اندک مدتی ماموران حکومتی در هر بلوکی به اتفاق يك نفر قاضی شرع و يك نفر حسابدار به ارزیابی زمینها و محصول و دامها مشغول شدند. این بازجویی و ارزیابی به اندازه ای دقیق بود که ارزیابان هرجا سایه خوسه گندمی را بر زمین افتاده می دیدند آنجا را کشتزاری دروکردنی می پنداشتند. (۱۰)

دقت و کوشش پاك دلانه و بی غرض ماموران در تهیه دفاتر جدید و پافشاری و پیگیری بنیانگذاران این نظام نوین که می خواستند هرج و مرج نظامات مالیاتی و باقیمانده یاسای چنگیزی و رسمهای تیموری را يك قلم از ایران براندازند و عدالت بی سابقه ای را برای توده رنجبران تضمین کنند یکی از جالبترین رویدادهای تاریخی عهد یعقوب و دودمان بایندری است. (۱۱)

بدیهی است که غیر ممکن بود تحولی به این بزرگی با دشمنی و نارضایتی طبقه

بازماندگان...

سیورغال داران مواجه نشود، در عمل این طرح اصولی با منافع نیرومندترین عناصر طبقه زمین دار تضاد داشت و به همین سبب تا یعقوب پادشاه چشم از جهان پرست همان عناصر یعنی امرای صاحب نفوذ که منافعشان بیش از سایرین به خطر افتاده بود به مخالفت با نظام نوین زمینداری بلند شدند و یک ماه پس از مرگ یعقوب شیخ عیسی ساوجی را در میان بازار سرپازان به دار آویختند. به نوشته مورخ عهد یعقوب، یعقوب پادشاه در ۱۱ صفر ۸۹۷ هجری قمری (۱۴۹۰ میلادی) پس از بیماری طولانی در گذشت.

صفونیان و رفتار آنان با پیروان

مذهب تسنن

پس از درگذشت دو تن از پادشاهان ترکمن، اوزون حسن و پسرش یعقوب امید جمهوری ونیز بیافتن هم پیمانی برای مدتی از بین می‌رود، ولی با ظهور شاه اسمعیل صفوی و قدرتمند شدن دولت مرکزی در ایران ونیزیان کوشش خود را از سر میگیرند. شاه اسمعیل نیز مانند اوزون حسن و یعقوب میخواست علیه ترکان عثمانی نه تنها با جمهوری ونیز بلکه با قدرتهای دیگر اروپایی پیمان اتحاد ببندد.

اگر داستان دلاوری های شاه اسمعیل و قدرت رهبریش او را مردی فوق العاده جلوه دهد، مسلماً شرح وحشیگریها و خونریزی هایش او را جزو سفاکان نامدار عصر خود قرار میدهد. تصویری که سوداگر ونیزی و همچنین ایتالیاییان دیگر، از حیات او میدهند توأم است با خونریزی و تعصب

جنون آمیز مذهبی. پس از شکست الوند میرزا پسر خلیل آق قویونلی، اسمعیل در تعقیب او وارد تبریز میشود، و به انتقام قتل پدر تمام بستگان و سرداران آق قویونلی را از دم شمشیر میگذرانند و حتی به مادر خوانده خود و زنان باردار نیز رحم نمی کند. دستور میدهد قبر یعقوب پادشاه و سردارانی که در جنگ با شیخ حیدر اپدر شاه اسمعیل) شرکت داشتند نبش کنند و استخوانهای آنها را بسوزانند. سید فاحشه را بدو نیم میکند و هشتصد نفر از نگهبانان الوند میرزا را گردن میزند. تاجر ونیزی میگوید: شك دارم که از زمان نرون تا حال عالم چنین ظالم خونخواری بخود دیده باشد.

(۱۱۲)

شاه اسمعیل شاعر بود و خطایی تخلص میکرده است و دیوانی به ترکی آذری دارد. (۱۱۳) اشعارش آئینه تمام نمای افکار اوست و گاهی نیز انعکاسی از سفاکیهایش در آنها پیدااست. در غزل شماره ۱۹۴ میگوید که خون شاه حیدر هنوز بر زمین است و باید به آل یزید (یعنی خاندان یعقوب) ضربه ای مهلك زد.

آتامونگ قانینی آلدوم یزیددن

یقین بیلکیل که نقد حیدریم

خضر زنده ایله عیسی مریم

زمانه اهلونیک اسکندریم (۱۱۴)

ترجمه :

چون کشیدم از یزید انتقام پدر

یقین دان که نقد حیدرم

هم خضر زنده و هم عیسی مریم

برای اهل زمانه سکندریم

غزل شماره ۱۵ تصویری است سور رئالیستی

از کشتارهایش در تبریز و توجهش به بغداد. میگوید:

بغداش قورروب اوتورسه نگاروم فغان
قویاردورسه اوتورسه فتنه آخر زمان قویار

شروان خلایقی خامو تبریزه داشینه

ملك عجم سوررکه قیامت خاچان قویار

بیتد و کچه توکنور عربونک کویی مسکنی

بغداد ایچنده هر نیچه کیم ترکمان قویار

چیقسه سرای دن بوجهان واریین

دوتارییر مرشد طریقت پیر و جوان قویار

گورمیشدی تا خطایی از لدن یقین مونی

نوحونگ علامتی کلور آندن طوفان قویار

(۱۱۵)

ترجمه : " با بزمن نشستن نگارم فغان و با بلند شدنش فتنه آخر زمان خیزد. تمام مردم شیروان روی به تبریز می نهند و قیامت برپا میشود. گر چه تعداد ترکمنان بیشمار است ولی اگر او به بغداد در آید مسکن و کوی اعراب برپا می‌رود. نگارم چون از سرای درآید هست و نیست جهان را بدست میگیرد و مرشدی جوان بادی آگاه و پیر برای طریقت می‌کردد. خطایی اینرا از ازل میدانست او علامت نوح است و بیشک طوفان را بهمراه دارد.

سوداگر ونیزی مینویسد: در سراسر ایران

نام خدا فراموش گشته و نام اسمعیل

برزبانهاست. مثلا اگر کسی هنگام سواری

برزمین بیفتد بعوض اسم خدا نام او را

برزبان میاورد هم بعنوان خدا و هم بعنوان

پیغمبر. (۱۱۶)

شاه اسماعیل خود را در اشعارش آدم،

بازماندگان...

عیسی، نوح، قنبر، حیدر و غلام علی میخواند و میگوید:

آنام دور فاطمه آتام علی دور
اون ایکی امامونگ من داخ بیریم (۱۷)

ترجمه: مادرم فاطمه پدرم علی است، و من یکی از دوازده امام هستم.

با این ادعاها بود که پایه های سلسله صفویه در میان آتش و خون بنا شد و برای ترویج مذهب شیعه و برانداختن مذهب تسنن از هیچگونه ستکاری و خونریزی خودداری نکرد. با آنکه در آغاز پادشاهی او اکثریت مردم ایران سنی مذهب و از اصول مذهب شیعه بی خبر بودند امر داد که خطیبان شهادت خاص شیعه را در اذان و اقامه وارد سازند.

گروهی از مریدان خود بنام "تبرنیان" را نیز مامور کرد که در کوچه و بازار بگردند و به آواز بلند خلفای سه گانه و دشمنان علی و دوازده امام و سنی مذهب را لعن کنند. هرکس که لعن و طعن تبرنیان را می شنید ناچار بود که با صدای بلند بگوید: "بیش باد و کم مباد" و هرگاه در این گفتار تامل و تغافل روا میداشت خونش بیدرنگ بدست تبرنیان و قورچیان شاه ریخته میشد. (۱۸)

پادشاه صفوی اسمعیل و یا اسماعیل در همان حال سرداران و مامورانی به ولایات عثمانی فرستاد تا مردم را با تبلیغ یا تیغ به قبول مذهب شیعه وادار کنند، و شیعیان را به خاک ایران کوچ دهند. این اقدام نیز غالباً در ولایات عثمانی مایه بروز فتنه میشد و آتش دشمنی شیعه و سنی را تیزتر میکرد. (۱۹)

در اثر مخالفت قاطبه اهالی تبریز که سنی

بودند بیست هزار نفر کشته شدند، تا بالاخره مردم سر در خط فرمان او نهادند و شعار قزل باشی را بر خود بستند. بدین ترتیب در عصری که اروپا کم کم میخواست اختلافات مذهبی را بسوی نهد، در زمانی که عصر اکتشافات بزرگ دریایی شروع میشد و اروپاییان بفکر استعمار شرق می افتادند، صفونیان سنیان را میکشند و عثمانیان بعنوان انتقام شیعیان آناتولی را قتل و عام میکردند و هر که زنده مانده بود پیشانیش را داغ میکردند. از زمان شیخ حیدر، پدر شاه اسماعیل، دسته ای بنام حیدریه در برخی از ولایات آسیای صغیر ظهور کردند. پیروان این طریقت در مذهب خود چنان تعصب داشتند که ثواب کشتن يك سنی را با ثواب قتل پنج کافر حریمی برابر میشمردند. به عقیده ایشان پیروان تسنن از حریت اسلامی خارج بودند، و بدین سبب کشتن مردانشان واجب و خرید و فروش زنانشان حلال بود. (۲۰)

بعضی ها شاه اسماعیل را بوجود آورنده وحدت ملی و مذهبی و تاسیس کننده حکومت مرکزی میدانند، و نیز او را احیا کننده يك شاهنشاهی نظیر حکومت ساسانی، و رهبر "جنبش استقلال طلبانه ملت ایران" قلمداد میکنند. در ضمن میگویند که "در تمام دوران زندگیش همیشه از پشتیبانی بیدریغ ملت ایران برخوردار بوده" است. (۲۱)

مسلم است که این تصورات زانیده عصر ما و احساسات مبالغه آمیز دوره ایست که ناسیونالیسم اهمیت فوق العاده پیدا کرده است و اینان میخواهند تصویری دلخواه از شاه اسماعیل بکشند والا در کشوری که اکثریت مردم اهل تسنن بودند و از ترس شمشیر شیعه شده بودند، چگونه

میتوانستند از دل و جان از شاه اسماعیل پشتیبانی کنند؟ بعلاوه بگذریم از اینکه امپراطوری ساسانی با سیستم طبقاتی شدید خود چیزی نیست که بشود بدان افتخار کرد و مسلماً خود شاه اسماعیل نیز با آنهمه ادعای اسلام، پیغمبری و خدایی نمی خواست احیا کننده حکومت غیر اسلامی ساسانی باشد.

سیاست دینی صفونیان از طرفی به خشکه مذهبی و تعصبات بیدلیل این دوره انجامید و از سویی دیگر دشمنی و عدم اعتمادی که بین اهل تسنن و تشیع ایجاد شد عالم اسلام را دچار تفرقه تاسف آوری ساخت که از حاصل آن دنیای غرب سالهای سال بهره گرفت.

تهیه و تنظیم: موسی

منابع:

۱. تاریخ عالم آرای امینی مشهور به تاریخ روزبهان در احوال یعقوب، ترجمه مینورسکی. ص. ۲۶
۲. همان کتاب ص. ۲۷
۳. همان کتاب ص. ۴۷
۴. تاریخ عالم آرا ص. ۸۶
۵. همان کتاب ص. ۵۹
۶. لب التاریخ، ورق ۶۴ الف
۷. سفرهای سوداگری در ایران ص. ۱۷۲۱۷۳
۸. ن. ک. به مقاله مینورسکی زیر عنوان "سیورغالی متعلق به قاسم پسر جهانگیر آن قویونلی" در مجله مدرسه زبانهای خاوری و افریقایی. لندن شماره ۴. ۱۹۲۴ میلادی
۹. عالم آرای امینی ص. ۹۷
۱۰. همان کتاب ص. ۹۶
۱۱. عالم آرای امینی ص. ۱۱۰
۱۲. سفرهای يك سوداگر در ایران ص. ۱۹۱

بررسی آثار ماغتیم قولی پراغی

روح وحدت طلبی، آزادی و استقلال در آثار ماغتیم قولی

ماغتیم قولی پراغی، شاعر و اندیشمند بزرگ خلق ترکمن، در آثار خود غارت و چپاول و ظلم و ستمی را که در قرن هیجدهم بر خلق ترکمن روا شده به روشنی ترسیم می کند. در قلم هیجدهم میلادی، زمانیکه ماغتیم قولی هنوز نوجوانی بیش نبود، نادرشاه، مستبد معروف، فرمانروایی میکرد. خلق ترکمن نیز همانند دیگر خلق ها زیر حکومت نادرشاه رنج میبرد. این درد و رنج تأثیر عمیقی بر آثار ماغتیم قولی گذاشته است. نادرشاه تمامی آسیای میانه، قفقاز و بخشی از هندوستان را به تصرف درآورده و مردم آنجا را به خاک و خون کشیده و از اجساد کشته شدگان تلی ساخته و از کله های آنان ستاره ها برپا داشته است. اواخر پائیز ۱۷۴۰ میلادی خیره و بخارا به اشغال نادرشاه درمی آید. تمامی طوایف ترکمن مانند ارساری، یموت، تکه، سالور، ساریق، چاودور، ایگدیر و غیره که از کناره های آمودریا به طرف خیره حرکت کرده و در آنجا سکونت کرده بودند، با سقوط خیره به دست نادرشاه عقب نشینی کرده و با برجای گذاشتن زمین های زراعی و اموال و احشام خود عازم مانقشلاق (بخشی از کازاخستان) می شوند. بدنبال این عقب نشینی ترکمن ها زمستان سال های ۱۷۴۱ و ۱۷۴۰ را در خیره، کوههای بالکان و خلیج مانقشلاق و در صحراهای برهوت در بدترین شرایط بسر می برند. مرگ و میر دامها در اثر سرما و کرسنگی و غیره وضعیت ترکمن ها را اسفبارتر می کند.

چپاولگران لشکریان نادرشاه خسارات جبران ناپذیری بر اقتصاد کشاورزی خلق ترکمن وارد میسازد. افراد زیادی بویژه زنان و دختران به اسارت درآمده و به عنوان برده به فروش میرسند. ماغتیم قولی، شاعر انساندوست و وطن پرست اشعار زیادی درباره این فجایع سروده است. نمونه هایی از این اشعار که در رد غارتگری و برده داری سروده شده عبارتند از:

کلدی غارا بلا ایلی دالادی

داحان آچیپ، تیلی بیله یالادی

و یا

بیر نیچه لر قولی باغلی قول بولوپ

نیچه لر ایزنددا سارغارنپ، سولوپ

کیسی برنپ، انونکد بالحاسنن آلنپ

حرکیمه بنز بللی باحا ایلدی.

ماغتیم قولی در اشعار خود حب وطن در برابر متجاوزین بیگانه و فایق آمدن بر اختلافات طایفه ای را تشویق کرده، روی مسئله تشکیل دولت مستقل خلق ترکمن و حاکم شدن بر سرنوشته خویش تکیه میکند. شاعر در تحقق این آرزوی دیرینه خلق چنین می گوید:

کوکول لر، یورک لر بر بولوپ باشلار

تارتسا ینغین، ارار تویراغلار باشلار

بنر سویرا دا تاییارقلنلسا آشلار

کوتریلر ال انقبالی تورکمنینگ

در دوره ای که شاعر می زیست بدلائل مختلف اختلافات و کشمکش های گوناگون بین طوایف ترکمن وجود داشت. شاعر با توجه به این وضعیت و بخصوص با تشدید این اختلافات بین دو طایفه یموت و گوکلان، با درک عواقب زیانبار آن، در مقام مخالفت برآمده مینویسد:

بیربیرین چاپماق ارمس ارکیلدن

بو ایش شیتاندننر، بلکی کورلوکدن

آغنز آلانلق آیرار ایلی دیرلیکدن

مردنان دولت دونوپ، دوشمانا کلکی

شاعر با تکیه بر "تیره لر غارداشدنر، اوروغ

یاری دنر" بدون دادن جایگاه ویژه ای به

طوایف، قبایل و تیره های مختلف در شکل گیری خلق ترکمن، به واحد بودن آنها بمثابة یک خلق توجه داشته و بر وحدت آنها جهت پیروزی در مبارزه شان برای آزادی و استقلال پای می فشرده.

وامبری، جهانگرد مجارستانی، که در اوسط قرن نوزدهم مدتی در میان یموت ها و گوکلان ها زندگی کرده بود، با شخصی به نام قیزیل آخون املا مرآت که از افراد اندیشمند ترکمنها بشمار میرفت، آشنا می شود. وامبری از قول قیزیل آخون می نویسد:

"ماغتیم قولی در دوره ای که یموت ها و گوکلانها به جنگ و خونریزی علیه یکدیگر مشغول بودند، دیده از جهان فروست. زیرا قلب رنوف او تاب دیدن اینهمه برادرکشی و به اسارت بردگی گرفتن زنان و فرزندان یکدیگر را نداشت."

شاعر در اشعار خود، با تکیه بر برادری طوایف یموت و گوکلان و اشتراک سرنوشته آنها، روی ضرورت و اتحاد و یکپارچگی تأکید میکند. در شعری که شاعر در سوک چاودار خان (۱۱) سروده به صراحت روی این مسئله انگشت میگذارد. همچنین اگر شعر "اونکی-آردی بیلینمز" او را در نظر بگیریم به سطور زیر برمی خوریم:

چکسه غوشون، اونکی-آردی بیلینمز

یا در جای دیگر شاعر چنین گفته است:

ررواچ برینک یوموت کولکنک برلکنکه

ادامه دارد ...

مآخذ: نشریه ترکمنستان، ارکان کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ایران دوره اول، سال اول، شماره اول، شهریور ماه سال ۱۳۶۶.

ادامه در صفحه ۷

معمای اتحاد

موضوع اتحاد از جمله موضوعات حاد و همیشه مبرم میان ترکمن ها و حتی فراتر از آن، میان اپوزیسیون حکومت جمهوری اسلامی بوده و می باشد. نگاهی گذرا به موضعگیری های شخصیت های سیاسی، مقالات و اسناد احزاب و سازمان های مختلف از چپ تا راست، از سلطنت طلب تا جمهوریخواه، از مارکسیست تا اسلامی و بطور کلی اکثر نیروهای سیاسی، نشان از ضرورت و اهمیت حیاتی اتحاد دارد. اما جالب اینجاست که طی دو دهه اخیر تا به امروز کمتر قدم مشخص و مؤثر و اقدام عملی در این راه صورت گرفته است. همگی از ضرورت اتحاد سخن رانده و می رانند ولی همه علیه یکدیگر هستند. همه می خواهند یا هم باشند ولی همه از هم جدا و بدتر از آن علیه آن هستند. ناکفته نماند که اتحادهای صوری بین احزاب، سازمانها و نیروهای سیاسی تاکنون بکرات صورت گرفته ولی فرایند این اتحادها از صدور اعلامیه های مشترک فراتر نرفته و هیچگونه پیامد عملی مشخص بر جنبش نگذاشته است. برآستی راز این معما در کجاست؟ چرا نیروهای روشنفکر ایرانی اعم از فارس، آذربایجانی، ترکمن و کرد و غیره در شکست طلسم تفرقه و پراکندگی اسیر مانده اند؟

از آنجا که این موضوع حاد اپوزیسیون ایرانی و بالاخص جنبش ترکمنهای خارج از کشور می باشد، نگارنده به سهم خود تلاش دارد این معضل را از جوانب مختلف بررسی

نماید. اکثر روشنفکران ما میدانند که خیلی ها در تقبیح تفرقه و اندر وصف فوائد اتحاد قلمها زده و کاغذها سیاه کرده اند، ولی متأسفانه تاکنون به هیچ جایی در این راه نرسیده اند. برخی با اشاره به این موضوع که عدم جایگزینی اتحاد با تفرقه نشان از تنوع و چندگانگی فکری دارد،، عملاً به ادامه تفرقه در میان نیروها رسمیت بخشیده اند. تقریباً همه نیروها هم خواستار اتحاد هستند مشروط بر اینکه به «استقلال» آنها لطمه ای وارد نیاید. اما واقعیت چیست؟ در بررسی موضوعی به این عمدهگی باید قبل از همه میان نیروهای سیاسی متشکل و توده های مردم تفاوت قائل شد. چرا؟ برای پاسخ به این سؤال نگاهی به رویدادهای مشخص روزمره بیاندازیم. چندی قبل تعدادی از گروه های سیاسی ایرانی برآی دفاع از زندانیان سیاسی و محکوم کردن جمهوری اسلامی، فراخوانی دادند و مردم را دعوت به شرکت در این آکسیون که قرار بود در مقابل مجلس سوند و سفارت جمهوری اسلامی ایران در استکهلم صورت گیرد، نمودند. حدس می زنید چند نفر و چه کسانی در این آکسیون شرکت کردند؟ بله! حدس شما درست است. شرکت کنندگان جز همان هواداران و نیروهای سیاسی این گروهها، کس دیگری نبود. سازمان مجاهدین خلق ایران هر از گاهی آکسیونهایی علیه جمهوری اسلامی در شهرهای مختلف اروپا تشکیل می دهد و مردم را به شرکت در این آکسیون خود فرا

میخواند ولی شرکت کنندگان جز نیروهای مجاهدین کس دیگری نیستند. مثال جالب دیگر اینکه برخی از رهبران احزاب و سازمانهای سیاسی هر از گاهی سخنرانیهایی ترتیب می دهند. شرکت کنندگان در این سخنرانیها نیز عمدتاً هواداران همان حزب و یا سازمان می باشند و افراد دیگری که در این جلسات به چشم می خورند عمدتاً از نیروهای مخالف همان حزب و یا سازمان هستند که با هدف دیگری شرکت می نمایند.

این پدیده یک طرف سکه و بخشی از واقعیت کنونی است. اما از این پدیده چه نتیجه ای میتوان گرفت؟ نیروها و روشنفکران سیاسی ما از این پدیده به غلط نتیجه گیری می کنند که توده های ایرانی مقیم خارج از کشور منفعل شده اند و یا جز به فکر زندگی راحت خود به چیز دیگری نمی اندیشند. برخی دیگر نیز بدینگونه استنتاج می کنند که اکثریت این مردمی که در میتینگها و اعتراضهای سیاسی ضدحکومتی شرکت نمی کنند، ترس از حکومت دارند و می افزایند که خیلی از آنها به ایران میروند و می آیند و نمی خواهند موقعیت خودشان را با شرکت در نمایشات اعتراضی و امثالهم به خطر اندازند. آیا این استنتاجات دارای

پایه و اساس صحیح و درستی است؟ همین توده مردمی که در اینگونه مراسمها شرکت نمی کنند، اگر بشنوند فلان خواننده یا نوازنده ای از لس آنجلس آمده

معمای ...

از دیگر مظاهر عقب ماندگی روشنفکر ایرانی قاطبی کردن مسائل شخصی-نیروهای سیاسی با کارآیی و کاردانی آن است. نگاهی به مردم آمریکا و تجربه رابطه رئیس جمهور آمریکا با لوینسکی میتواند یک مثال جالب باشد. اگر روشنفکران ما در هیأت داوری بودند تاکنون چندین بار حکم اعدام کلینتون را صادر کرده بودند ولی برخورد مردم آمریکا با این پدیده چگونه بود؟ پذیرش دموکراسی و تحمل عقاید مخالف چیزی نیست که با تکرار طوطی وار آن و یا با دفاع از آن در نوشته ها و حرف جامه عمل پوشد. دمکرات بودن و تحمل اندیشه های مخالف قبل از همه اعتقادی و پایبندی عملی می طلبد و باید به روش و منش ما در زندگی روزمره تبدیل شده و به یک کلام جزئی از فرهنگ ما گردد. متأسفانه این فرایند هنوز در آغاز راه خود است و بشکل بطئی و کند پیش می رود. از همین جاست که خواستها و تلاش ما در راه اتحاد مثل آب در هاون کوبیدن شده است.

اورمان

نیروهای سیاسی است. برخی شاید نگارنده را به عامگیری و پوپولیست بودن متهم کنند. اما باکی نیست. واقعیت این است که نمی توان به حقیقت به این بزرگی قلم بطلان کشید. اما گیری که از آن سخن می گویم کدام است؟ یکی از عمده ترین مشکلاتی که روشنفکران ایرانی اعم از ترکمن، فارس، آذربایجانی و غیره با آن سر در گریبان است، مشکل عقب ماندگی فکری، خود محور بینی و خود بزرگ بینی است. به این معنا که «حقیقت پیش من است و بس». فقط من حقیقت را می گویم. هرچند که امروزه تحت تأثیر زندگی در جوامع دموکراسی غربی با حروف درشت می نویسند که حقیقت را همگان دانند و همگان نیز هنوز از مادر زاده نشده اند و یا اینکه باید عقاید مخالف را تحمل کنیم و این از شروط اولیه دموکراسی است و غیره و غیره. اما در عمل هنوز خیلی با آن فاصله دارند. این عقب ماندگی فرهنگی و شعوری یک پدیده آتی و گذرا نبوده، بلکه یک پدیده تاریخی و ریشه داری است که برای رفع آن نه از دیگران بلکه باید قبل از همه از خود شروع کرد. این «همه چیز» دانی روشنفکر ایرانی نشانه صریح عقب ماندگی وی است، چرا که اگر ما به زندگی بزرگان و یا تجارب تاریخی و یا سخنان حکیمانه نگاهی بیاندازیم می بینیم که هر قدر دانش و معرفت آدمیان عمیقتر و ریشه دارتر باشد، ادعای آنها به همان میزان کمتر و صلابت و بردباری شان بیشتر است. و بالعکس هر قدر سطحی نگری و عقب ماندگی فکری فزونتتر، تحمل عقاید کمتر و خشونت و پرخاشگری شدیدتر است.

و برنامه دارد فعالانه و حتی بطور خانوادگی در آن شرکت می کنند و بهای بلیتهای کران را نیز بدون اینکه خمی به ابرو بیاورند، می پردازند.

پس گیر مسئله در مردم نیست بلکه اشکال کار در جای دیگری است. برخی شاید تصور کنند که مقایسه یک برنامه سیاسی، اجتماعی با یک برنامه سرگرم کننده کار درستی نیست. شاید این تصور درست باشد. ولی شواهد دیگری نیز وجود دارد که آدمی را به درست بودن این تصور به شک می اندازد. بیگمان خیلی ها حادثه دلخراش آتش سوزی دیسکوتک جوانان و نوجوانان در گوتتبرگ سوئد را شنیده و می دانند. در این ماجرای غم انگیز و دلخراش تعدادی از نوکل های ایرانی نیز قربانی شدند. در مراسم تشییع جنازه تعدادی از قربانیان ایرانی در گوتتبرگ، هیچ می دانید چند نفر اجتماع کردند؟ جمعیتی در حدود ده تا پانزده هزار نفر. این رقم فوق العاده بالایی است. هیچکس نه فراخوانی داده و نه دعوتی آنچنانی به عمل آمده بود ولی تقریباً از سراسر سوئد ایرانیان در مراسم تشییع جنازه حضور بهم رسانده و بطرز باشکوهی قربانیان ایرانی فاجعه آتش سوزی را به خاک سپردند. فاجعه آتش سوزی یک اتفاق تلخ و اسفناکی بود ولی از طرف دیگر نشان دهنده پدیده همبستگی و همدلی توده های ایرانی را به شکل عربانی به نمایش گذاشت. به عبارتی دیگر اتحاد عملی و مشخص ایرانی ها در یک آکسیون مشخص بود.

بنا بر این همانگونه که قبل تر نیز اشاره شد، گیر مسئله نه در مردم بلکه در

گلایم

چندین بار تا حالا تلفن کردم ولی گویا شما تشریف نداشتید حتی آقایی که احتمالا پدرتان بود، چندین فحش آبدار تار من کرد...

- آخر خانم مگر شما مریض هستید که همینطوری تلفن می کنید؟ آیا به آرامش دیگران فکر نمی کنید؟ فکرشو بکن همینکار را اگر من با شما میکردم، اعصاب پدر و مادرت خراب نمی شد؟ آیا...

- چرا، حق کاملا به جانب شماست. من قبول دارم که اشتباه کردم. حداقل میتوانستم بگویم که با کی کار «ارم ولی روم» نشد که حرفی بزنم.

- واقعا می توانستی همین کار را بکنی و اسم و یا حداقل شماره تلفن ات را بدهی و باعث این همه جنگ اعصاب نشی.
- آخه فکر کردم شاید پدر و مادرت از دست تو ناراحت بشن یا مسئله ایجاد بکنه که پسرشان با یک دختر رابطه داره.
- ما که هیچ رابطه ای نداریم در ثانی پدر و مادر من مثل خیلی های دیگر متعصب نیستند.

بقیه که دیدند گفتگوی تلفنی ادامه یافته، به خوردن شام ادامه دادند. فقط مادرش گفت: «آتا جان غذات سرد میشه، هرکی هست صحبتهایت را بذار برای بعد، حالا بیا بشین غذات را بخور.»

مزاحم تلفنی نمیخواست صحبتها قطع شود. ولی آتا علاقه ای به ادامه صحبت نداشت و گفت «اگر کارتان با من تمام شده اجازه بدهید که بروم شامم را بخورم.»

- نمی دانستم که داشتید غذا می خوردید. خوب بعداز شام برایت زنگ می زنم در ضمن از مزاحمتی که ایجاد کردم پوزش میخواهم.

- آخه جانم من که با شما کاری ندارم. شما هم ظاهرا کاری با بنده ندارید. صحبتهایمان را نیز کردیم حالا چیزی برای گفتن نداریم...

- ما هنوز صحبتی نکردیم. تازه میخواهیم صحبتهایمان را شروع کنیم. خوب فعلا بفرمایید شام تان را صرف کنید. یک ساعت

همه دور سفره شام جمع شده بودند که زنگ تلفن برای چندمین بار به صدا درآمد. قبل از این به دفعات تلفن زنگ زده بود و هر بار یکی از اعضای خانواده یکی دو بار گوشی تلفن را برداشته ولی فقط با سکوت تلفن کننده روبرو شده بودند. فقط آتا، او هم چون تازه از راه رسیده و بعد از شستن دست و رویش کنار سفره نشسته بود گوشی تلفن را برنداشته بود. صدای زنگ تلفن اعصاب همه را بکلی خراب کرده بود. آتا به برادر کوچکترش گفت: برو ببین کیه؟

- تا حالا چندبار برداشته ام ولی هیچکس آنطرف حرفی نمی زنه، بگذار تا خسته بشه بذاره.

بار آخر پدرش گوشی تلفن را برداشته و بعد از چند بار الو الو گفتن چند فحش آبدار حواله طرف کرده بود. ولی طرف مقابل هر که بود از رو نرفته و باز تلفن کرده بود. آتا دید که هیچکس گوشی را بر نمیدارد با بی میلی تمام پا شد و گوشی تلفن را برداشت و گفت « الو بفرمایید!»

- سلام

- علیکم السلام، با کی کار داشتید؟

- با شما

- یا من؟

- بله با شما!

همه اعضای خانواده تا دیدند که آتا در تلفن صحبت می کند، چهارچشمی نگاهش کردند. صرف غذا متوقف شده بود، چشمها و گوشها همه متوجه او بود.

آتا گفت «خوب بفرمائید با من چکار دارید و شما کی هستید؟ طرف مقابل صدای یک دختر بود و جواب داد «هیج، فقط دلم میخواست با شما حرف بزنم»

- همین؟ فقط میخواستید با من حرف بزنید؟

- بله همین! فقط دلم میخواست با شما حرف بزنم.

- آخه سر چه چیزی صحبت کنیم؟ ما که همدیگر را نمی شناسیم.

- از هرجا و هرچی خواستید می توانیم حرف بزنیم. راستش من

گلایم

دیگر تلفن می کنم. فعلا خداحافظ

- آخه...

تلفن قطع شد. آتا با تعجب و ناباوری برگشت به سر سفره.

مادرش پرسید « کی بود؟ »

- نمیدانم!

- اگه نمیدونی کی بود چرا این همه حرف زدید؟

- راستش مادر جان یک مزاحم تلفنی بود. هوس کرده بود یک همصحبت برای خودش پیدا بکنه تا به این ترتیب وقتش را هم پر کرده باشد.

مادرش با لحن طعنه آمیزی گفت « لابد دختر هم بود، نه؟! »

- بله صدای دخترانه داشت.

پدرش گفت « الله اکبر، امان از دست دختران امروزی که خیلی بی حیا شده اند. قدیم ندیم ها پسرها دنبال دخترها بودند. الان

همه چیز برعکس شده است. »

مادرش هم اضافه کرد « این از علایم آخر زمان است. »

درست یک ساعت گذشته بود که صدای زنگ تلفن به صدا درآمد. مادر نگاهی استفهام آمیز به پسرش کرد و پدرش با لحن دوستانه به او گفت « برو گوشی را بردار که لابد همان دختره است. »

آتا رفت و گوشی را برداشت ولی حرفی نزد. طرف مقابل بعد از لحظه ای درنگ گفت، الو!

از صدایش شناخت، خود او بود. خونسردانه جواب داد « بله »

- شام تان خوشمزه بود؟

- جای شما خالی، خانم بالاخره نگفتید که با بنده چکار دارید، اصلا بگویید بینم از کجا مرا می شناسید؟

دختره بدون توجه به صحبت های آتا گفت :

- نوش جان! راستی شما چرا شام تان را اینقدر دیر می خورید، ما همین که هوا تاریک شد شام مان را میخوریم، البته فضولی مرا می بخشید.

- تا حالاش که همه اش بخشش از ما و فضولی از شما بود. ولی حالا اگر ممکنه به پرسش من جواب دهید. اصلا شماره تلفن ما را از کجا گرفتید؟

- از دفتر راهنمای تلفن. همانطور که گفتم دلم میخواست یک هم صحبت داشته باشم و باهاش به قول معروف درد دلی بکنم.

- خیلی خوب، ولی من نمیدانم شما کی هستید، حتی اسم شما را نمیدانم، وانگهی نمیدانم چکاره هستید و اصلا سر چه موضوعی میخواهید صحبت کنید؟

- من شما را تا حدودی می شناسم. البته شما هم شاید مرا بشناسید. اگر هم نمی شناسید بتدریج خواهید شناخت. اما میدانم که شما معلم کمکی هستید و بعضی وقتها هم رانندگی می کنید. تاکسی و یا ماشین شخصی. اما اسم من، شما فکر می کنید اسم من چی باشه خوبه؟

آتا تا این حرفها را شنید قدری عصبانی شد ولی خودش را کنترل کرد. فکر کرد این دیگر کیه که خیلی چیزها را درباره اش می داند، آیا منظور دختره این بود که او را دست بیاندازد یا اینکه واقعا کاری داشت و همفکری میخواست، یا اینکه واقعا میخواست حرفی بزند و حرفی بشنود و احتمال دارد که قبلا هم درباره اش تحقیقاتی کرده باشد. بهمین خاطر با لحن جدی خطاب به دختره گفت:

- حقیقتش من با کسی که شناختی از او ندارم علاقه ای هم به همصحبت شدن ندارم مگر این که موضوع مشخصی پیش آید. منظورم این است که اگر کار معینی با من نداشته باشید، من حال و حوصله کپ های صد تا یک غاز را ندارم و فکر می کنم که شما هم تیپ مورد نظران را عوضی گرفته اید.

- ببخشید آتا آقا! من دنبال تیپ خاصی نبوده و نیستم فقط پرسیدم که شما اسم منو چی حدس میزنید. حالا برای اینکه ناراحت نشین بگذار خودم بگویم اسم من «گلایم» است و به هیچ وجه غرض مزاحمت جنابعالی و خانواده تان را هم نداشته و ندارم. راستش کار بخصوصی هم نداشتم. دلم از همه چیز و همه کس گرفته بود. میخواستم بقول معروف درد دلی بکنم. قضیه زیاد پیچیده نیست. من شما را همانطور که گفتم کم و بیش می شناسم. میدانم که شما دانشجوی دانشکاه صنعتی تهران هستید و در تابستانها هم می آید کتبد و برای شاگردان علاقمند دبیرستانی کلاس تقویتی می گذارید بدون اینکه پولی بگیریید. این را هم میدانم که شما بعضی وقتها تاکسی رانی هم می کنید. اما در مورد خودم برایتان بگویم که به تازگی دیلمه شدم و به صف عریض و طویل بیکاران کشور پیوستم. با هزار جان کندن دبیرستان را تمام کردم، الان مادرم بشدت مخالف ادامه تحصیل من در دانشکاه است ولی پدرم دوست دارد که دخترش

کلایم

تحصیلات عالیّه داشته باشد. از وقتی که دیپلم گرفتم شب و روزی نیست که بحث و جنجال بین پدر و مادرم برسر ادامه تحصیل من درنگیرد. مادرم میگوید همه آنهایی که به دانشگاه می روند از راه بدر می شوند، به راههای ناجوری کشیده می شوند. پدرم برعکس، داشتن تحصیلات عالی را افتخار علمی و اجتماعی میداند و آینده دارندگان تحصیلات عالی را روشن می بیند. خلاصه سرتان را درد نیارم آنها مدام بحث و جدل می کنند بدون اینکه نظر من را بخواهند، تازه با همه اینها معلوم نیست که آیا من شانس قبولی به دانشگاه را دارم یا نه؟ علاوه بر اینها، تقریباً همه دوستانم حال و هوای دیگری دارند اکثر آنها دنبال لباس و چارقد و مد و امثالهم هستند و حرفهایشان هم نیز همه اش درباره پسرهایست.

کلایم که خیلی تو خودش بود، همه اینها را تعریف میکرد و یکریز و لاینقطع حرف می زد. از لحن و کلامش هویدا بود که از صمیم قلب و با دلی پر حرفهایش را می زند. آتا بدقت به حرفهای او گوش می داد، بطوری که حتی فرصت فکر کردن روی حرفهایش را هم نمی یافت. کلایم بی وقفه از مشکلات و مسائل، از روابط خود با محیطش و واکنشهای متضاد اطرافیانش سخن می گفت. دستهای آتا از بس که گوشی را نگهداشته بود عرق کرده بود، گوشی تلفن را از این دست به آن دست میچرخاند. کلایم نفس بلندی کشید و گفت:

راستش ما دخترها مشکلاتمان یکی دو تا صدتا نیست. ما در جنبه مشکلات اسیریم. از اینکه سرتان را با این حرفها درد آوردم باز معذرت میخواهم. همانطو که گفتم میخواستم فقط یکی را پیدا کنم دوستانه حرفهایم را بزنم. او هم گوش کند به درد دل من. چندبار در کلاسهای شما شرکت کردم و از طرح برخی مسائل عمومی و اجتماعی در کلاسها خوشم آمد و این باعث شد که نوعی اعتماد به شما پیدا کنم، از همین رو شماره تلفن تان را پیدا کردم و بهتان زنگ زدم.

کلایم خانم! میدونی که تهرانی ها خیلی اهل تعارف هستند. همیشه هم سعی می کنند بچه های شهرستانی را بنحوی از اثناء دست بیاندازند. ما ترکمن هستیم، خوشبختانه و یا شاید متأسفانه اصلاً تعارف معارف بلد نیستیم. همیشه بقول معروف

« گونجه» به اصل مطلب می رویم. حالا اگر موافق باشید سلام و تعارف را بگذارید کنار و بیایید به اصل مطلب بریم، منظورم این است که آیا در مورد خاصی به کمکی نیاز دارید، یا در مورد مسائلی که عنوان کردید، چیزی از دست من ساخته است؟ - راستش من بخاطر کمک با شما تماس نگرفتم. همینکه به حرفهای من گوش دادید، خودش کمک بزرگی است. اگر این حرفها را به دوستان خودم تعریف می کردم، چند ساعت بعد همه از آن باخبر بودند و بدتر از همه اینکه یک کلاغ چهل کلاغش هم می کردند و تحویل پدر و مادرم میدادند. خدا میدونه اون وقت چی پیش می آمد. بقول معروف ایل آراستی سؤز بوزار.

رابطه ات با پدر و مادرت مگر دوستانه نیست؟ آیا بهمیدیکر اعتماد ندارید که آنها بخواهند اینقدر تحت تأثیر حرفهای دیگران قرار بگیرند و اصلاً چرا خودت با آنها صحبت نمی کنی و مشکلات و مسائلت را با آنها در میان نمی گذاری. آنها که نزدیکترین آدمها به تو هستند و بهترین حامیان تو در هر شرایط، مگر اینطو نیست؟

چرا، شما کاملاً صحیح می فرمایید. آنها خیلی دلسوز و با محبت اند ولی حقیقتش ما زبان همدیکر را درست نمی فهمیم. همین مسأله عدم درک درست باعث دعوای الکی میشه. بهمین خاطر من هم همه چیز را توی دلم میریزم. اون از دوستانم این از پدر و مادرم.

پای با همه اینها آدم باز و اجتماعی بنظر می آید. معمولاً کسانی که چیزها را توی خودشان می ریزند، آدمهای درونگرا و گوشه گیر هستند و کمتر میل به روابط اجتماعی دارند خاصه با غریبه ها. کسی که در روابط اجتماعی باز باشد طبعاً تجارب بسیاری هم بدست می آورد و مسائلش را راحت تر طرح و حل می کند. مضاف بر همه می تواند به محیطش تأثیرات مثبتی بگذارد. آدمهای تنها و منزوی بندرت می توانند تأثیر گذار و تأثیرپذیر باشند. البته افراد منزوی هم برخا برخلاف میل و اراده خودشان به انزوا کشیده می شوند و بقولی جامعه آنها را به گوشه ای پرتاب می کند. البته خصلت و سرشت آدمها از یکدیگر متفاوت است. بعضی ها اصلاً مادرزاد گوشه گیر و منزوی اند. حال اینکه جامعه و روابط اجتماعی، سنت ها و فرهنگ ها تا چه حدی به کاهش این درد توانسته کمک کنند بحث دیگری است.

کلایم

حال نوبت کلایم بود که سراپا کوش باشد. آنا از تمام اطلاعات، دانش و تجربه اش یاری می گرفت و مسائل را موشکافی می کرد. کلایم نیز غرق در کوش کردن بود و از اطلاعات سرشار آنا در طرح مسائل اجتماعی و روانشناسی تعجب می کرد و در عین حال از شنیدن آنها لذت می برد. آنا همانطور که صحبت میکرد یکباره با لحن اندوهگنانه ای گفت:

میدونی کلایم، بشر اکنون در آستانه قرنیه جدید قرار گرفته و از همه جهات به پیشرفت های فوق العاده ای نائل گشته است ولی ما و جامعه ما در موقعیتی بسر میبرد که سر تا پایش را ببعدالتی و نابرابری فراگرفته است. همین موضوعی که خودت اشاره کردی که دخترها در چنبره مشکلات اسیرند، همین وضعیت ناشی از سنت مذهبی و فرهنگ حاکم بر جامعه ما نشأت می گیرد. وقتی که دیانت و شریعت بر انسانها حکومت کند، وقتی که همین دین چندهمسری را قانونیت می بخشد، وقتی همین دین که بر جامعه حکومت می کند حقوق زنان را نصف حقوق مردان بشناسد و حق جدایی را به مردان قائل شود و در صورت جدایی حق داشتن فرزندان از آن مرد باشد، آنوقت حرفهای تو نیز در واقع بخشی از این حقیقت زشت است.

آنا قدری مکث کرد و سپس با لحن خودمانی پرسید

- کلایم!

کلایم از لحن خودمانی و صمیمانه آنا غرق در شادی ناگفته شده و با همان مهربانی پاسخ گفت

- بله

- خوابت نبرده که.

آنا ضمن ادای این جمله نگاهی به ساعتش کرد دید چیزی به صبح نمانده است. اصلاً نفهمیده بود که این چند ساعت چگونه گذشته است. برخلاف آغاز این آشنایی تلفنی که رغبتی به صحبت کردن نداشت، الان احساس می کرد که دلش نمی خواهد مصاحبتش قطع شود، با این همه افزود

- الان خیلی دیر شده و سیم های تلفن هم داغ کرده اند. بهتره که صحبت هایمان را همین جا قطع کنیم.

- ولی آخر تازه صحبت ها جالب تر شده و آدم دلش نمی آید که قطع اش کند.

آنا علیرغم میل خودش دوباره تکرار کرد.

- الان دیر وقته، بهتره که آدم بره بخوابه، فردا کلی کار هست که باید انجام داد.

- هرچور که شما میخواهید. در ضمن مجدداً از اینکه سرتان را بدرد آوردم پوزش می خواهم و بخاطر هم صحبتی تان هم صمیمانه تشکر می کنم. شب تان بخیر!

آنا نیز با گفتن شب بخیر کوشی تلفن را گذاشت ولی از جایش جنب نخورد. نگاهش به تلفن ثابت مانده بود. نمیدانست که این چند ساعته را داشت خواب می دید و در خواب با خودش حرف می زد و یا دچار کابوس شده بود. یک لحظه دراز اصلاً نفهمید که چگونه گذشت. بعد کمی بخود آمد رفت سرو صورتش را آبی زده و دندانهایش را نیز مسواک زد و پرید زیر لحاف. با خود اندیشید که این دختر کی میتونه باشه، کلایم، اسم قشنگی دارد. صدایش هم مثل اسمش لطیف، قشنگ و دلنشین بود. آدم از شنیدن صدایش لذت می برد. به صحبت های که ردوبدل شده بود فکر می کرد. غالب آنها موضوعات جدی اجتماعی بودند. فکر کرد که باید دختر روشنفکری باشد. با خود اندیشید که دختران ترکمن چقدر محرومند و چقدر در محدودیت ها و تحت فشارهای روابط سنتی - مذهبی - اجتماعی بسر می برند. فقدان امکانات سالم برای تفریحات سالم جوانان، مناسبات خشک و بیروح سنتی، تنش های خانوادگی و ...

باز فکرش رفت به کلایم، مکثی کرد تا چهره او را پیش خود مجسم نماید. لحظه ای بعد به موضوعات بحث و صحبت هایشان فکر میکرد. و باز به کلایم. چشمهایش کم کم گرم شده و بالاخره خوابش برد.

نوامبر ۱۹۹۸

ر. الف. جانلی

بررسی رژیم حقوقی خزر

پیش از بررسی رژیم حقوقی خزر بهتر است از نقطه نظر جغرافیایی به آن نگاهی افکنیم :

نام : دریای خزر (کاسپین)

طول دریا از شمال به جنوب : ۱۲۰۴ کیلومتر

عرض متوسط : ۲۲۰ کیلومتر

مساحت : ۲۷۰ هزار کیلومتر مربع

سطح آب : ۲۸۱۵ متر پائینتر از سطح آب

دریای آزاد

طول خط ساحلی : ۶۵۰۰ کیلومتر

ایران : ۶۵۷ کیلومتر

آذربایجان : ۸۲۰

قزاقستان : ۱۹۰۰ کیلومتر

بقیه : روسیه و ترکمنستان

بیش از ۱۵۰ رودخانه بزرگ و کوچک به دریای خزر می ریزد که بزرگترین و معروفترین آنها عبارت است از ولگا، اورال، سامور، کورا، سفید رود، اترک، ارس و کرکان

آبزیان دریای خزر

آبزیان دریای خزر به لحاظ تنوع گونه های موجود و ارزش اقتصادی برخی از آنها از اهمیت و لابی برخوردارند. ماهیان دریای خزر از ۲۱ خانواده و ۶۴ جنس تشکیل شده اند که در قالب سه گروه قابل تفکیک اند: ماهیان خاویاری، ماهیان کلیکا و ماهیان استخوانی ساحلی .

تاریخچه رژیم حقوقی

اولین رژیم حقوقی خزر با عقد معاهده تحمیلی ترکمانچای در دهم فوریه ۱۸۲۸ بین روسیه و ایران انجام گرفت. بر اساس این معاهده کشتی های تجاری روسیه و ایران با حقوق برابر حق کشتیرانی داشتند ولی فقط روسیه حق دارا بودن کشتی های جنگی را داشت.

دومین قرارداد خزر در ۲۶ فوریه سال ۱۹۲۱

میان ایران و روسیه به امضا رسید که بر اساس آن هر دو کشور از حق برابر دارا بودن ناوگان جنگی برخوردار شدند. سومین قرارداد در زمان استالین انجام گرفت که پیمان قبلی را قوت بیشتری بخشید .

بررسی کوتاه تاریخچه رژیم حقوقی خزر نشان می دهد که همیشه دریای خزر بین روسیه و ایران تقسیم شده و قراردادهای آن مربوط به دوره تزار و پس از فروپاشی امپراطوری روسیه دوران لنین و پس از آن نیز مربوط به دوران استالین بوده است و فقط هر دو کشور از منابع و امکانات این دریا سود می جستند . پس از فروپاشی شوروی و استقلال کشورهای حاشیه خزر، قوانین پوسیده و یکطرفه که به نفع کشورهای حاشیه خزر نبود می طلبید که رژیم حقوقی خزر از نو طرح و نوشته شود . تاکید ایران و روسیه مبنی بر قانونی شمردن قراردادهای بالا باعث شد که کشورهای تازه به استقلال رسیده بدون توجه به روسیه و ایران اقدامات استفاده از این دریا را به شکل برابر با ایران و روسیه آغاز کنند . ایران معتقد است که افزایش تعداد کشورهای حوزه خزر از دو به پنج کشور هیچگونه تغییری در وضعیت حقوقی این دریا پدید نیاورده است، زیرا بر اساس اصول حقوق بین الملل رژیم حقوقی

یک منطقه با محوریت دولت یا ظهور دولت جدید تغییر نمی کند و دریای خزر ماورای صلاحیت ملی دولت های مذکور و با اتکا به قراردادهای شناخته شده بین المللی تعیین می گردد .

بهره برداری از منابع نفتی

تاکنون دو کشور قزاقستان و آذربایجان با شرکت های آمریکایی و اروپایی قراردادهای میلیاردی امضاء کرده اند . که با مخالفت دیگر کشورهای همجوار خزر مواجه بوده است . روسیه و ایران کشورهای تازه به استقلال رسیده را متهم می کنند که پای آمریکا و کشورهای غربی را به خزر کشانده اند و دخالت این قدرت ها را از لحاظ سیاسی قبول ندارند . و از آن به عنوان حضور 'نیروهای بیگانه' نام می برند . خزر پس از خلیج فارس و سیبری سومین منطقه نفت خیز جهان است . طی ده سال گذشته ۱۰۰ میلیون تن نفت از بستر دریای خزر استخراج شده که بنا به گفته برخی صاحب نظران از آن حدود یک میلیون تن نفت با آب دریا مخلوط شده . هم اکنون بیشترین آلودگی خزر در نتیجه بهره برداری نفتی و حفاری های مربوط به آن بوده است . و بیشترین این آلودگی در قسمت غربی خزر در جمهوری آذربایجان و در قسمت شمال شرقی یعنی مربوط به قزاقستان بوده است . آلودگی خزر از سوی همه کشورهای حاشیه این دریا انجام می گیرد . فاضلاب های منازل و کارخانجات شهرهای ساحلی ایران مستقیماً به دریای خزر می ریزند . سالانه بیش از ۳۵۰۰ تن مواد شیمیایی نفتی تنها از طریق آذربایجان به دریا سرازیر می شود . زباله های اتمی بازمانده از دوران شوروی در

قزاقستان و زیاله های شیمیائی کارخانجات روسیه نیز مستقیماً وارد خزر می شود. برای مثال سالانه ۱۴۰ میلیون تن ضایعات آلوده کننده از طریق رود ولگا وارد خزر می شود. هم اکنون خزر در آستانه یک بحران محیط زیست قرار دارد و این فاجعه تا وقتی که رژیم حقوقی عادلانه برقرار نشود ادامه خواهد داشت.

تاکنون چندین مدل و راه حل ها بنا به خواست ها و منافع اقتصادی از سوی کشورهای حاشیه خزر طرح شده که به دلیل اختلافات بوجود آمده از سوی این کشورها تصویب نشده است.

راه حل های ارائه شده

جمهوری های تازه به استقلال رسیده خواستار تقسیم دریای خزر میان دولت های ساحلی به نحوی است که هر کدام اختیار عمل و آزادی تام در بخش مربوط را دارا باشد. این جمهوری ها خواستار تقسیم خزر به عنوان یک دریای بین المللی میان دولت های ساحلی آن می باشد. روسیه و ایران با این طرح مخالفت می کنند، زیرا بیم آن را دارند که راه کارتل های نفتی به خزر گشوده شود و دریای خزر زیر نفوذ آنها قرار گیرد.

راه حل دوم از طرف روسیه مطرح شده که دقیقاً عکس راه حل اول است. طبق این طرح کشورهای حاشیه خزر بایستی فعلاً تابع پیمانهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ باشند. این پیمان هر کشور ساحلی را تا ۱۰ مایلی از ساحل صاحب منابع نفتی و دریایی می داند ولی تاکید دارد که منابع نفتی دریای خزر بومی است و متعلق به کشورهای ساحلی است و دول خارجی منظور آمریکا و غرب

حق حضور و استخراج این منابع را ندارند. البته این امر از سوی ایران نیز حمایت می شود. راه حل سوم که از جانب ایران و روسیه طرح شد و اختلاف چندانی با راه حل دوم روسیه ندارد، از طرف کشورهای تازه استقلال یافته رد شد. بر اساس این طرح بایستی دولت های ساحلی به منظور تامین منافع شان یک سازمان منطقه ای جهت تنظیم کلیه جنبه های بهره برداری از منابع دریای خزر تشکیل دهند. این طرح از سوی جمهوری های تازه استقلال به این دلیل رد شد که آنها معتقد بودند که اول بایستی در رژیم حقوقی سابق تجدید نظر شود.

خسارات زیاد تندباد و طوفان

در ترکمنصحرا

وزش تندباد در ترکمنصحرا که همراه با گرد و غبار بود خسارات فراوانی در بر جای گذاشت. این تند باد از ساعت سه بامداد روز جمعه به مدت شش ساعت باعث طوفانی شدن دریا، واژگون شدن دهها تیر برق، ریشه کن و شکسته شدن صدها اصله درخت، تخریب منازل، ترکیدگی شبکه آب شهری، قطع خطوط برق، تلفن و اختلال در رفت و آمد وسائل نقلیه در شهرهای ترکمنصحرا شد. رئیس ستاد حوادث غیر مترقبه استانداری گلستان ابوالقاسم صفوی در گفتگو با مطبوعات محلی سرعت این تندباد را ۷۰ و در برخی از لحظات ۹۵ کیلومتر در ساعت اعلام کرد. این تندباد که از غرب به شرق شروع به وزیدن کرد، در غرب استان موجب پیشروی آب دریا در شهرهای ساحلی و خسارات زیاد به راههای ساحلی و تاسیسات شیلت و صیدگاههای آشوراده شد.

ایل گونینگ قادرلی اوقیجیسی قربان ترکمن بیزه ایبرن ' ایل غه سارغد' دینه ن حاتیندا اوز پیکرنی ' ترکمن ملت نینگ بیرلیکی و باشقه ایران ملت لاری بیلان برابر یاشاماغی حقیندا، قورولتای غا کنکش و نیلاغ سارغدی ' آنکلادیپ یازیار:

' - فدرال حکومتی، ارکینلیق، آزادلیق، آبادلیق، دینچ لیق و پاراختملیق و بیرلیق و برابریق اوستندا قورولماغی

- هر ملت اوز یاشادیق یرلاریندا اقتصادی، توپلوم، تیل، داب دستور و اینانچ لارینه ایه بولماق لیق لاری

- هر بیر ملت (بیر تیل لی) غه تابع بولغان لار بیر ولایت آلتیندا ارکین لیک بیلان یغنالماغی

- هر بیر ملت نینگ باله سی اوز اته تیلینی اوقیماق و سوزلاماق حقینه برابریق بیلان قاوشماق لیق

- هر بیر ملت حتی بیر انسان داعی اوز اینانچ ارکین لیکنه قاوشماق لیق

- قانون لاردا همه ملت لارینگ برابر حقنی تانیلماق لیق

ادامه داستان "یک لحظه در گذر زمان" در شماره آینده ایل گون به چاپ خواهد رسید

اخبار

ترکمنصحرا

دسترسی آزادانه خبرنگاران از اطلاعات

افتتاح بنای مقبره مختومقلی

حمایت امام جمعه شیعه گنبد از خاتمی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در خرداد ماه سال ۷۸ مقبره مختومقلی فراغی را در آق توقفای که در ترکمنصحرا واقع است افتتاح کرد. افتتاح ساختمان مقبره مختومقلی با مراسم ویژه ای همراه بود. در این مراسم صفر مراد نیازوف رئیس جمهور ترکمنستان نیز شرکت کرد.

معاون سیاسی، امنیتی استانداری گلستان می گوید: خبرنگاران به اخبار، اطلاعات دسترسی آزادانه داشته باشند. این گفته در زمانی صورت می گیرد که نشریه صحرا چاپ ترکمنصحرا بنا به گزارش مطبوعات ایران تهدید به بسته شدن شده است.

بنا به نوشته روزنامه کیهان چاپ تهران مدیر کل اداره اطلاعات در کوردهم آتی امنه جمعه منطقه می گوید: روزنامه ها باید مهار شوند و از انتشار مطالب انتقادآمیز باید جلوگیری شود و همتان باید از جناح حاکم حمایت کنند.

محمد حسین سبحانی امام جمعه شیعه های شهر گنبد در یکی از خطبه های نماز جمعه گنبد از خاتمی حمایت کرد و گفت که سفر خاتمی به اروپا موجب فروکش کردن تنش های سابق خواهد شد. وی در نماز جمعه گنبد که جدا از نماز جمعه ترکمن ها برگزار می شود اعلام کرد که خاتمی از مواضع ایران در مقابل جهانیان بخوبی دفاع کرد.

عظالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت که مختومقلی شاعری است که ظرفیت جهانی شدن دارد. مراسم سالگرد مختومقلی که تاکنون در ایران چندین بار در دانشگاههای تهران، کرگان و گنبد برگزار شده فقط اساتید و برخی از نمایندگان مجلس شرکت داشتند. اینبار این مراسم از طرف جمهوری اسلامی بصورت رسمی برگزار شد. در این مراسم تمام استادان و دانشجویان زبان فارسی دانشگاه مختومقلی و همچنین گروه موسیقی ترکمنی در یک گروه تعداد ۱۰ نفری برای شرکت در مراسم بزرگداشت مختومقلی و افتتاح بنای جدید آرامگاه وی دعوت شده بودند.

عدم استقبال از شرکت های خصوصی بیمه در ترکمنصحرا

از میان ۴۲ تشکل سیاسی و ۲۰ تشکل تخصصی فقط یک تشکل متعلق به اقلیت های دینی در ایران است

مسئول بیمه کوری و درآمد اداره بیمه خدمات درمانی گنبد با ضعیف خواندن میزان استقبال مردم ترکمنصحرا از بیمه خوشفرم خصوصی می گوید: این نوع بیمه تنها در مواقع بیماری و احتیاج به خدمات بیمارستانی متقاضی دارد.

این مسئله باعث شده است تا سازمان بیمه خدمات درمانی بویژه در بخش خصوصی همواره با ضرر و زیان مواجه شده است. علت این امر را عدم درک اهمیت بیمه در امر درمان بویژه در موقع سلامتی از سوی مردم دانست. شرکت های خصوصی بیمه در ترکمنصحرا حتی خانه به خانه، روستا به روستا برای جلب مردم تبلیغ کردند ولی مردم استقبال از آن نکردند. تعداد تحت پوشش بیمه خصوصی در سال ۱۳۷۵ تاکنون در شهرستان گنبد در حدود ۱۱ هزار و ۲۵۰ نفر بوده است.

در سال گذشته در ایران ۴۲ تشکل سیاسی، ۲۰ تشکل تخصصی مجوز فعالیت گرفتند. اقلیت های ملی ایران که از هیچگونه حقوقی در تشکل های سیاسی، تخصصی برخوردار نیستند.

در سال گذشته توانستند مجوز یک تشکل دینی را دریافت کنند. اجازه فعالیت احزاب و جمعیت ها بر اساس کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب و جمعیت هاست که از نمایندگان قوه قضائیه، مجلس شورای اسلامی، دادستانی کل کشور و بالاخره وزارت اطلاعات و وزارت کشور است.

گرایش شناسی یا زبان شناسی

در ایران کار جسع آوری نوسه های کویش به منظور تهیه نخستین اطلس کویش شناسی آغاز شد. در کشور کثیراللمة ایران هنوز هیچیک از ملیت ها حق تدریس به زبان مادری خود را ندارند و هیچگونه سرمایه گذاری در تحقیق و بررسی این زبانها از طرف دولت انجام نمی گیرد.

سنی های ایران جدا از شیعه ها در مراسم حج شرکت کردند

بنا به گفته مشاور رئیس جمهوری ایران در امور اهل سنت، بیش از ۲ هزار تن از سنی های ایران در ۱۵ کاروان در مراسم حج شرکت کردند. حجاج سنی کرد، ترکمن، بلوچ و سنی های سایر مناطق از جمله خراسان و هرمزگان بودند. برخلاف تلاش جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ادغام حجاج سنی در کاروان های شیعه، سنی ها در کاروان های جداگانه مراسم حج انجام می دهند.

۲

صادرات کالاهای غیر نفتی از مرز پل در ترکمنصحرا به ۲۰ میلیون دلار رسید

در سال گذشته ۷۱ هزار تن کالا از اینچه برون، مرز خاکی جمهوری اسلامی به کشورهای آسیای میانه ادر شمال ترکمنصحرا صادر شد. این کمرک به عنوان کمرک مستقل اجرایی شناسایی شده است. بنا به ارقام اعلام شده از سوی رئیس کمرک اینچه برون در سال گذشته ۲۰ هزار مسافر از این مرز عبور کردند که نسبت به سال قبل ۲ هزار نفر بیشتر بوده است. این امر بخاطر سیاست "تجارت چمدانی" جمهوری اسلامی بوده است. بر اساس آن اتباع خارجی می توانند تا سقف هزار دلار و مسافران ایرانی تا سقف ۵۰۰ نوع کالای مجاز ایرانی به همراه داشته باشند.

استخدام نیروهای غیر بومی در مناطق کرد نشین

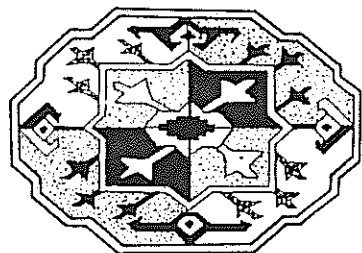
در شماره های گذشته اپیل کون مطالب زیادی در مورد استخدام افراد غیر بومی در ترکمنصحرا نوشتیم. مقامات استان تازه تاسیس گلستان قول و وعده های زیادی در استخدام و بکارگیری افراد ترکمن در ارکانهای دولتی را دادند که تاکنون در بسیاری از موارد به اجرا درنیامده است. استخدام افراد غیر بومی یکی از سیاست های حکومت های حاکم بر ایران است و مختص ترکمنصحرا نیست و در مناطق دیگری از جمله در کردستان و بلوچستان نیز افزایش چشمگیری یافته، طوری که برخی از مقامات رسمی و وابسته به حکومت جمهوری اسلامی نیز به آن اعتراف کرده و خواستار برخورد با آن شده اند. به عنوان مثال حبیب زاده نماینده بوکان می گوید: "با توجه به دیدگاه مثبت ریاست محترم جمهوری در مورد بکارگیری نیروهای فهیم و مسلمان کرد متأسفانه در استخدام های محدود نیروهای مورد نیاز ادارات علی الخصوص آموزش و پرورش برخورد کُذافی در مورد نیروهای محلی اعمال و بیشتر از نیروهای دیگر استخدام می شوند که بعد از مدتی رسمی شدن و کسب تجربه و تبحر با بی میلی در منطقه خدمت نوده و تمام توان خود را در جهت انتقال به زادگاه خود صرف نوده و جوانان مدیر و کاری و باهوش کرد مظلومانه نظاره گر این ظلم آشکار و غیر منطقی بوده و تأثیرات سونی در افکار عمومی نسبت به دولت ایجاد نوده است. بدنبال تظاهرات کردها در شهرهای مختلف کردنشین مبنی بر آزادی اوجلان افراد زیادی تظاهر کننده از سوی مقامات انتظامی جمهوری اسلامی کشته و زخمی شدند. کردها در این

تظاهرات درخواست های ملی خود را مطرح کردند. سرکوب تظاهرات کردهای ایران از سوی جناح خاتمی محکوم نشد و هیچگونه اعتراضی نیز از سوی مطبوعات طرفدار خاتمی نشد. این امر خود دال بر این است که برخلاف تنش های سیاسی و یا اختلافات جناح های حاکم، سیاست های هر دو جناح در مقابل اقلیت های ملی ساکن ایران یکسان است.

بدنبال این سرکوبی ها روحانیون و ائمه جمعه و جماعت اهل تسنن شهرستان ارومیه و دیگر شهرهای کردنشین که از طرف جمهوری اسلامی تعیین شده و دست نشانده های حکومت هستند، در طی تلگرامی این تظاهرات حق طلبانه کردها را "تحریکات ایادی استکبار جهانی و صهیونیسم بین المللی در منطقه" دانسته و آن را محکوم کردند.

گسترش قاچاق مواد مخدر

ایران و ترکمنستان قرار است همکاری دوجانبه ای در زمینه مبارزه با مواد مخدر داشته باشند. جمهوری اسلامی به دلیل داشتن مرز مشترک با افغانستان و ایران محل صدور مواد مخدر شده است. به دنبال افزایش جرایم قرار است موافقتنامه استرداد مجرمین بین دو طرف امضاء شود.



بوخراگل (بخارا) مارگل

دیدار استاندار گلستان از ترکمنستان

ابراهیم درازکیسو استاندار گلستان در رأس هیاتی به ترکمنستان سفر کرد و با نیازوف دیدار کرد. وی در این دیدار پیام دعوت محمد خاتمی رئیس جمهوری ایران از صفر مراد نیازوف را تسلیم وی کرد. محمد خاتمی از نیازوف برای شرکت در مراسم گرامیداشت مختموقلی فراغی شاعر ملی ترکمن ها و کشایش مقبره وی که در خرداد ماه امسال در آق توقنای برگزار میشود دعوت به عمل آورد. در دیدار استاندار گلستان با نیازوف قراردادها و موافقت نامه های همکاری استان گلستان با ترکمنستان مورد بحث و بررسی قرار گرفت. از جمله اینکه دانشگاه کشاورزی کرکان قرار است با مراکز کشاورزی استان "بالقان" همکاری کند. همچنین قرار است در خصوص زمینه تبادل و کشت انواع زیتون در سواحل رود اترک همکاری کنند و سدی بر روی رودخانه اترک بسازند. استان گلستان قرار است بذرهایی مورد نیاز استان بالقان (استان همجوار با ترکمنصحرا) ترکمنستان را تامین کند. در این دیدار هیچگونه اشاره ای به ترکمن های ایران نشده است.

پیروزی ترکمن ها در انتخابات شورای شهر و روستا

بنا به گزارش های رسیده از ترکمنصحرا در شهرها و روستاهای ترکمنصحرا مردم فقط به کاندیداهای ترکمن رای داده اند. انتخاب افراد ترکمن به منزله نوعی همبستگی و وحدت ملی ترکمنهاست که با انتخاب کاندیداهای ترکمن تبلور یافته است.

رشد اقتصادی مناطق مرزنشین ایران

بنا به اخبار مطبوعات رسمی ایران مناطق مرزی ایران با ترکمنستان رشد و رونق بسزائی یافتند. بنا به گزارشی فرماندار قوچان یکی از شهرهای مرزی همجوار با ترکمنستان می گوید: اعضای تعاونی های این شهرستان تاکنون دو میلیون دلار کالای غیرنفتی به جمهوری ترکمنستان صادر کرده اند. هم اکنون تعاونی های قوچان بیش از ده هزار نفر عضو دارد. بخش های مرزی باجگیران و دهستان که بیش از ۲۵ هزار نفر جمعیت دارند نیز دو تعاونی مرزنشینان تشکیل داده اند.

کاهش بارندگی در شمال ایران

بنا به گزارش روزنامه هشمهری اندازه گیریهای میزان بارندگی و حجم آن در استان گلستان ۵۵ درصد و نسبت به دوره شاخص سی ساله نیز ۴۴ درصد کاهش یافته است. مقدار بارندگی در استان های شمال ایران بویژه استان گلستان کاهش چشمگیر داشته است! در مجموع حجم ریزش جوی استان گلستان در سال ۷۷ حدود ۳ میلیارد متر مکعب بوده که در مقایسه با سال ۷۶ حدود شش و نیم میلیارد مکعب بوده است.

اسامی افرادی که در شهرهای بزرگ ترکمنصحرا انتخاب شدند عبارتند از :

گنبد :

کل آراء ۴۴۶۷۷ برگ

اعضای اصلی :

کل چشمه ۱۲۲۲۷ رای، نیازی سعادی عبدالرحمن

۱۳۶۵۷ رای، کرگانی ۱۲۷۰۲ رای، انکیزه ۱۲۵۱۹ رای، ملا ابراهیمی ۱۲۴۸۲ رای، زیوری ۱۲۰۲۱ رای، کلدی زاده ۱۱۳۸۰ رای

بندر ترکمن :

کل آراء ۶۰۱۹ برگ

اعضای اصلی :

تاج محمد ایمانی ۴۲۴۸ رای ، احمد ایری ۴۱۲۲ رای ، محمد قلی حاج ایری ۲۵۶۶ رای ، عبدلجلیل قره جه ۲۲۶۶ رای ، مشهد قلی قزل ۲۷۲۷ رای

منتخبین اعضای علی البدل :

رجب ایری، محمد قربان قاضیانی و امانکلدی قربان سیدی کر

کومیش تپه :

کل آراء ۷۱۱۲ برگ

اعضای اصلی :

عبدلحمید قربانزاده کوکلانی ۲۱۵۸ رای ، نورالدین مرادی صحرا ۱۹۴۹ رای ، عبدلجبار بدخشان ۱۵۷۲ رای ، محمد امان قرینجیک ۱۲۲۹ رای ، آتا مطلق ۱۲۶۰ رای

منتخبین اعضای علی البدل :

آنه محمد مهمیانی ، عیسی کله و عاشور قلی دویه جی

آق قلا

کل آراء ۱۲۲۳۵ برگ

اعضای اصلی :

عبدلوهاب یلمه ۲۲۵۶ رای ، نجم الدین چوکان ۲۲۲۰ رای ، حمید میرزاعلی ۲۷۲۵ رای ، قربان ، کلدی لمالی ۲۶۶۱ رای ، بابا آل هوز ۲۲۲۵ رای

اعضای علی البدل :

عبدلرشید توماج، قربان تاج پیوری و عبدلغفور امان زاده

حوزه دریای خزر

کاهش آب دریای خزر

مدیر کل هواشناسی استان کیلان اعلام کرد: سطح آب دریای خزر در سال جاری ۲۰ سانتی متر فروکش کرد.

وی می گوید: با آغاز روند پسروری آب دریای خزر که از سال ۷۴ شروع شده است این میزان طی سه سال اخیر ۶۵ سانتی متر کاهش عمق آب را نشان می دهد. بر اساس کارشناسان هواشناسی در سال آینده نیز روند کاهش آب دریای خزر ادامه خواهد داشت. آب دریای خزر در سواحل کیلان با توجه به شیب متفاوت در بعضی نقاط بین ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی متر عقب نشینی داشته است.

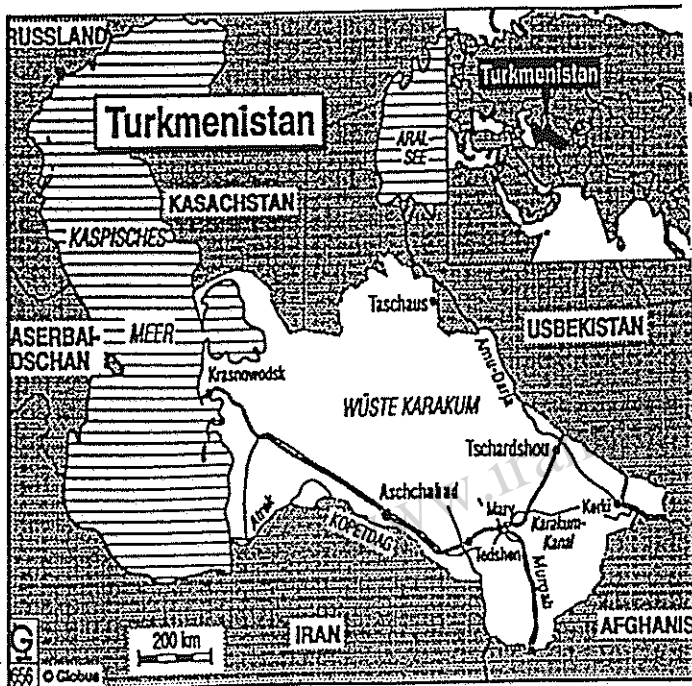
مخالفت روسیه با صدور گاز ترکمنستان از بستر دریای خزر

سخنکوری وزارت امور خارجه روسیه رحمانین می گوید قرار دادی که اخیرا بین ترکمنستان و ترکیه برای احداث یک خط لوله انتقال گاز از بستر دریای خزر منعقد شده غیر قانونی است. بنا به گفته او هر سانحه ای که برای چنین طرح هایی روی دهد تمام دریای خزر و سواحل تمام کشورهای حاشیه را آلوده می کند.

مانور نظامی ارتش روسیه در خزر

تمرین نظامی روسیه در دریای خزر نوعی فشار به کشورهای حاشیه خزر تلقی می شود. معاون رئیس جمهوری آذربایجان ضمن محکوم کردن این مانورها گفت که نیروهای مسلح روسیه فقط در آب های ساحلی خود می توانند دست به تمرین نظامی بزنند. آذربایجان خواستار عضویت در پیمان ناتو است و این امر از سوی روسیه و ایران قابل

قبول نیست.



جلسه کشورهای ساحلی خزر در آلما آتا

نمایندگان کشورهای حاشیه خزر در نشستی که در آلما آتا پایتخت سابق قزاقستان برگزار شد. مسائل مربوط به تغییرات در این دریا را بررسی کردند. گفته می شود طی ۲۰ سال گذشته به علت گرم شدن دمای زمین سطح آب خزر دو متر بالا آمده که می تواند عواقب فاجعه آمیز در پی داشته باشد. هفته

انامه نویی پاکالییه چاپ قزاقستان می نویسد: پیش بینی می شود در آینده ای نه چندان دور منابع نفتی و چاهها زیر آب بمانند. تاکنون تعدادی از این منابع در بخش ساحلی قزاقستان به این وضعیت دچار شده اند. بالا آمدن سطح آب دریای خزر بخصوص در کشور قزاقستان یعنی در استان های آترابو و منگستار بیشتر بوده است. بیش از یکصد روستا و شهرک را با جمعیتی بالغ بر ۳۲۰ هزار نفر تهدید می کند.

دوچرخه سواری زنان در سواحل خزر ممنوع اعلام شد

فرمانده نظامی منطقه راسر اعلام کرد که از این پس دوچرخه سواری زنان حتی با رعایت حجاب اسلامی هم ممنوع است. وی اعلام کرد: زنان حتی سر تا پا هم حجاب اسلامی را رعایت کنند بازهم نخواهند توانست عفت خود را حفظ کنند.

اخبار آسیای میانه

برگزاری همایش ابوالسعید ابولخیر
در ترکمنستان

در طی دیدار چهار روزه عطاالله مهاجرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با مقامات ترکمن قرار است همایش ابوالسعید ابولخیر در ترکمنستان انجام گیرد و مراسمی نیز به مدت یک هفته تحت عنوان هفته فرهنگی در دو کشور برگزار شود. بر اساس قرارداد فرهنگی طرفین ترجمه کتب فارسی به ترکمنی نیز افزایش خواهد یافت. دو کشور قرار است در زمینه تولید فیلم های مشترک سینمایی، دوبلاژ و ارائه خدمات فیلم و تسهیلات برگزاری جشنواره فیلم همکاری کنند.

فروش آپارتمان به خارجیان مقیم
عشق آباد

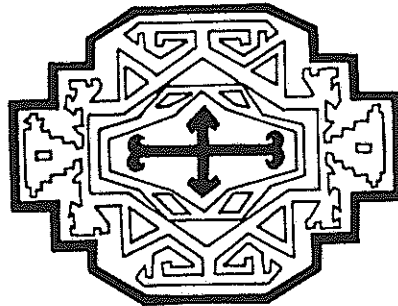
صفر مراد نیازوف با صدور فرمانی به شهر داری عشق آباد، فروش واحدهای آپارتمانی به خارجیان را در عشق آباد آزاد اعلام کرد. ترکمنستان با اینکار قصد جذب سرمایه های خارجی و فراهم شدن زمینه های حضور خارجیان را دارد.

دخالت ایران در آذربایجان و
ازبکستان

سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو با انتشار بیانیه رسمی اظهارات نامیک عباسوف وزیر امنیت ملی آذربایجان را تکذیب کرد. عباسوف ایران را متهم به خرابکاری در آذربایجان کرد. وی همچنین اظهار داشت که روسیه و ایران منافع و سیاست های مشابهی را در قبال باکو دنبال می کنند.

سخنگوی وزارت امور خارجه ایران نیز قراردادهای نفتی آمریکا و آذربایجان را فاقد اعتبار و وجاهت قانونی دانست.

سفیر ایران در ازبکستان نیز به درج یک مقاله در هفته نامه 'حریت' چاپ تاشکند اعتراض کرد. در مقاله ای تحت عنوان 'ترور و تروریسم' ایران متهم به حمایت از تروریسم شده است. محسن پاک آئین سفیر ایران در تاشکند پس از چاپ این مقاله یک نشست مطبوعاتی ترتیب داد و اعلام کرد که در برخی از نشریات ازبکستان حرکات مشکوکی انجام می گیرد. وی مدعی شد که صهیونیسم در این کار دست دارد و با سوء استفاده از مطبوعات ازبکستان قصد خدشه دار کردن روابط دو کشور دارد.



سربک گل (ساریک)

خروج ترکمنستان از پیمان لغو
روادید در جامعه کشورهای
مشترک المنافع

ترکمنستان برای کنترل امنیت مرزهای خود از پیمان لغو قرارداد ویزا خارج شد. تاکنون شبکه های مافیایی با استفاده از این پیمان به راحتی در ترکمنستان تردد می کردند. اتباع ترکمن و غیر ترکمن از این پس برای گرفتن ویزا با مشکلات زیادی روبرو خواهند شد. اتباع جمهوری باید برای سفر به کشورهای عضو جامعه مشترک المنافع نیز ویزای مقصد بگیرند و بالعکس اتباع سایر جمهوری ها نیز باید برای سفر به ترکمنستان ویزا دریافت کنند.

اختلاف ترکمنها و آذری ها بر
سر چاههای نفت ادامه دارد

یک مقام جمهوری آذربایجان می گوید: دولت ترکمنستان در حل مسئله تعیین رژیم حقوقی دریای خزر مانع ایجاد می کند. بنا به گفته مقامات آذری، ترکمنستان در اواسط ماه مارس سال جاری میلادی با تسلیم یادداشتی به سفارت انگلستان در عشق آباد نسبت به فعالیت های شرکت های بریتیش پترولیوم و رامکو در آب ها ملی این کشور اعتراض کرده است.

نظارت سازمان های بین المللی در انتخابات پارلمانی ترکمنستان

رئیس جمهور ترکمنستان، نیازوف در دیدارش با دانشجویان و استادان دانشکده حقوق بشر عشق آباد اعلام کرد که انتخابات آتی پارلمان در کشورش با نظارت نمایندگان سازمان های بین المللی برگزار خواهد شد. این انتخابات قرار است در ماه دسامبر سال جاری برگزار شود. نیازوف گفت که هر کس می تواند بر انتخابات نظارت کند ولی ترکمنستان رسماً از کسی دعوت نخواهد کرد. انتخابات پارلمانی هر چهار سال یکبار برگزار می شود. پارلمان ترکمنستان دارای ۵۰ کرسی برای نمایندگان ۵ میلیون نفر جمعیت این کشور است. امسال قرار است همزمان با انتخابات، ساختمان جدید الاحداث پارلمان در مرکز پایتخت نیز افتتاح شود.

عدم علاقه مردم به تئاتر

نیازوف یک بودجه ۲۷۰ هزار دلاری برای رشد و رونق هنر تئاتر در ترکمنستان اختصاص داد. اختصاص این بودجه بخاطر جذب مردم به تئاتر و هنر های سنتی بوده است. هم اکنون در ترکمنستان ۱۰ سالن تئاتر وجود دارد که هفت تالار در پایتخت و سه تالار دیگر در سطح مراکز استانها فعال هستند. تئاتر ملانپس و 'اپراباله' مخرمقلی، 'پوشکین' از تالارهای معروف جمهوری هستند.

آذربایجان خواستار عضویت در پیمان ناتو می شود

روسیه در دریای خزر تمرین نظامی برگزار کرد. مشاور رئیس جمهوری آذربایجان این مانورها را تهدیدی بر امنیت کشورش دانست. بدنبال آن آذربایجان خواستار عضویت در پیمان نظامی ناتو شد. آذربایجان در مانورهای قبلی گردان پاسدار صلح آسیای مرکزی در سال های ۹۷ و ۹۸ با شرکت آمریکا، ترکیه، گرجستان، قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان شرکت کرده بود. بودجه این مانورها از سوی آمریکا پرداخت می شود و امسال قرار است این مانورها در فلوریدای آمریکا انجام گیرد.

دیدار بسکتبالیست های ایرانی و آمریکائی در ترکمنستان

در مسابقه تیم نوجوانان بسکتبالیست، تیم منتخب ایران در مقابل آمریکا پیروز شد. یک ایرانی تاجر مقیم عشق آباد بدنبال آن هدایائی به نوجوانان ایرانی اهدا کرد. در دیداری که بین تیم ایرانی و تیم ترکمن انجام گرفت، یک بازیکن ترکمن پس از برخورد با یکی از بازیکنان ایرانی سیلی بصورت او نواخت که بدنبال آن بازی به خشونت و درگیری انجامید و زمین بازی به میدان درگیری بازیکنان دو تیم تبدیل شد که پس از لحظاتی با میناجیکری مریبان دو تیم و مسئولان برگزار کننده مسابقه به این درگیری پایان داده شد. این بازی سرانجام با نتیجه ۸۰ بر ۲۸ به سود تیم ترکمن ها پایان یافت.

مانور "گردان صلح" آسیای مرکزی در آمریکا

مانور سالانه گردان صلح آسیای مرکزی امسال به مناسبت پنجاهمین ساگرد تاسیس پیمان نظامی ناتو در آریزونای آمریکا برگزار شد. این مانور هر ساله در اوایل پاییز تحت عنوان مشارکت در برنامه صلح ناتو در آسیای میانه برگزار می شود. این گردان از نیروهای نظامی قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان تشکیل می شود. تاجیکستان هنوز به این گردان نیوسته و ترکمنستان نیز به دلیل سیاست بی طرفی در آن شرکت نمی کند. مانور امسال چهارمین مانوری خواهد بود که پس از استقلال این کشورها انجام می گیرد.

خودکشی در نتیجه فقر

مرکز آمار قزاقستان اعلام کرد در سال جاری ۱۹۹۸ میلادی تعداد ۴۲۲۲ نفر در این کشور خودکشی کرده اند. صاحب نظران معتقدند که این خودکشی ها در نتیجه فقری است که بیشتر این افراد دچار آن بودند.

گسترش قاچاق مواد مخدر

ایران و ترکمنستان قرار است همکاری دوجانبه ای در زمینه مبارزه با مواد مخدر داشته باشند. ترکمنستان به دلیل داشتن مرز مشترک با افغانستان و ایران محل صدور مواد مخدر شده است. به دنبال افزایش جرایم قرار است موافقت نامه استرداد مجرمین بین دو طرف نیز امضاء شود.

نامه های

رسیده

آدرس های جدید برای
خوانندگان ایل گون :

کنکش شماره ۱۲ نشریه سیاسی، اجتماعی
فرهنگی ترکمن های خارج از کشور را می
توان در صفحه اینترنت مطالعه کرد. آدرس
کنکش در اینترنت :

<http://www.geocities.com/SoHo/Studios/2421>

برای دریافت نشریه کنکش می توان به آدرس
این نشریه در کشور سوند نامه نوشت:

Turkmen Genesi
Box : 47064
402 58 Gotenberg

گروهها و انجمن ها

از گروههای سیاسی، انجمن های فرهنگی و
ادبی که نشریات و اطلاعیه های خود را به
آدرس ایل گون ارسال کردند و همچنین از
تسامی دستداران نشریه که تمبر و کتاب
فرستادند متشکریم.

آقای صمدی !

نامه تان را دریافت کردیم.

خانم سارا از برلن !

مقالات شما را تحت عنوان :

'شعر هومر و اعتراف اروپا' و 'آنارشسیم'
دریافت کردیم . شماره های قبل ایل گون به
آدرسی که نوشته بودید ارسال شد .

آقای آمانقلی توماج !

نوار اشعار شما رسید از همکاری شما با
نشریه ایل گون بسیار متشکریم.

آقای چرکز !

مقاله شما تحت عنوان 'بازی با واژه ها'
مضمونی نو به مفاهیم کهنه نمی دهد

متأسفانه چند روز پیش از انتشار نشریه به
دستمان رسید ، بدین خاطر موفق به چاپ
آن در این شماره نشدیدم . ضمن تشکر از
همکاری تان خواهشمندیم حتی المقدور
مقاله تان را سه هفته پیش از به چاپ
رسیدن نشریه ارسال کنید . برای اطلاع شما
مقاله انتقادی تان در پاسخ به مقاله چاپ
شده در شماره ۹ ایل گون تحت عنوان:
'بحثی درباب طبقات اجتماعی' به نویسنده آن
مقاله ارسال شد .

کمک مالی دوستان

سیاری از دوستان پس از انتشار ایل
گون شماره ۹ جهت حمایت از ایل گون
کمک های مالی کردند. ما ضمن تشکر از
این دوستان خواهشمندیم در آینده نیز
ما را با همیاری و حمایت خود یاری
دهند.

آدرس نشریات ترکمنی چاپ ایران !

برای دریافت نشریات ترکمنی چاپ ایران
خوانندگان می توانند به آدرس مستقیم
این نشریات نامه نوشته و آبونه شوند . ما
برای آن عده از خوانندگان که دسترسی
به این آدرس ها ندارند آدرس ماهنامه
صحرا و فصلنامه ادبی یاپراق را می
آوریم :

آدرس نشریه صحرا :

ایران - استان گلستان - کنبد کاووس

صندوق پستی ۴۸۱-۴۹۷۱۵

آدرس نشریه ادبی یاپراق :

ایران - استان گلستان - کنبد کاووس

صندوق پستی ۴۷۸-۴۹۷۱۵

Yatlama

11-nji Juni-da türkmen halkynyň edebi we medeni dünýäsine ömrüni siňdiren Annagurban Gylyçtaganyň aramyndan çykanlygyna bir ýyl geçýär.

Şoňa degerli, biz Ilgüniň bu sanynda merhumyň beýik akyldarymyz Magtymguly Pyragy hakda düzen goşgylarynyň birini siziň dykgatyňyza bermegi mahul bildik.

„Eýran türkmenleriniň edebi durmuşy“, Türkmenistanyň edebi alymy Kasym Nurbadowyň 1997-de Aşgabatda çykaran kitabynyň adydyr. Şol kitapda ýazyjy, merhum Annagurbanyň ýokarda agzalan goşgylary hakda öz pikirini şeýle ýazýar:

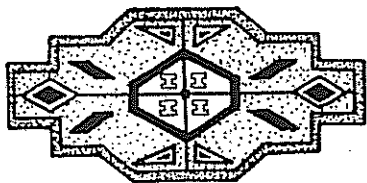
„Annagurban Gylyçtaganyň Magtymguly baradaky pikirleri beýik akyldar şahyryň hut öz goşgularynyň äheňinde ýüze çykarylýar. „Lukmansyň sen“, „Dessan çykar“, „Galmaza“ goşgularynda biz muniň aýdyň mysalyny görüp bilýäris. Şahyr her bir babatda Magtymgula meňzemäge çalyşýar. Dünýä baradaky pikirlenmeleri, sufistik garaýyşlary, pelsepeli pikir öwürmeleri köp babatda munuň hötdesinden gelip bilendigine şaýatlyk edýär. Galyberse-de, Magtymgulyň haka aşyk boluşy ýaly, şahyryň hem Magtymgula aşyk boluşy şygyrda örän ynandyryjy berilipdir...“

‘ غالمازا ’

يست العرقان سارايتنگده غوى بو كون دلشاد اولام
دالى پورخان ياده طلبه داتما پرياد اولام
اول شيرين ايزينده كويگه ن داغ پئغان پرهاد اولام
شيرينده ن سه س برمه سه نك پرهاتده توان غالمازا

اولچه ريب حق مجمرنگ نى جاني اوتقا سالميشام
يوز بلا محنت لى يير سودايه عاشيق بولميشام
چولاشيب هر بندينگه بندينده زندان غالميشام
گر آچسانك بو بندمى يير آميرى زندان غالمازا

سوزلرينگ ام دير پئراغى اگيس درديم بو زامان
چونكى سوزينگ حق سوزى دير قبول دوشگه ي بي گمان
اي واسطيم اي وسيلام اي مانگا غاشى گمان
چون ديله گينگ دست برپيدير منده برمان غالمازا



چووال گل (ترکمن) ترنج

čuwäl göl

tshuvall göl

تامشتنيب يير ائمتى نيب من هلال غاشينگ گورمه سه م
لايه باتغان ۱۲ سونکنگيم توپراغينگ غا سيلمه سه م
گيده ن يير دريا مى نگده ن جان پيالام دولماسام
بو بوزيق ويران شهر ده روح و روان غالمازا

آنچه يئل سيرانه ليقده تانيشديم دردينگ ييله ن
يانگى لپ ديوانه بولديم اوقيان وردينگ ييله ن
شونداده آواره غالديم خوش عجب يوردينگ ييله ن
تابساديم من سنگ كمالينگ سهو و نقصان غالمازا

ديدينگ اوتسين غشش تاپار من تازه نوروزدان سنى
تليم نوروز گلدى گشدى گوزيلده ر غويدينگ منى
توسل ادگن مرديدنك سانه آل گور دردينى
وصالينگ اميدى ييرله ن جسدهه جان غالمازا

بو گيجانينگ توم ليگينده توت اليم آواره من
گيدسه كلمز يولده غاليپ آنکنگالان بيچاره من
والله عاشيق بولميشام يير سن تكين دلداره من
پوسه به رسه نك لب لرينگده ن منده آرمان غالمازا

Şanly hem-de ýatdan çykmajak seneler

01. April - 30. April
(12. Ferwerdin- 10. Ordibeheşt)

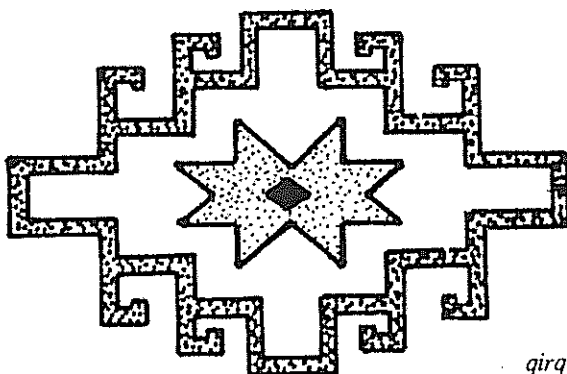
- 01.04.1941 : Türkmenistanda ylymlar akademiýasy açyldy.
 07.04. ... : Dünýä saglygy saklaýyş günü.
 07.04.1927 : Poltorazk şäheriniň ady, Aşgabat şäherine öwrüldi.
 12.04.1993 : Türkmenistanda täze Latin elipbiýi kabul edildi we ol, jemi 30 harpdan ybaratdyr.
 15.04.1922 : Türkistan musulmanlarynyň 2-nji gurultaýy geçirildi we Türkistan milli döwletini gurmak barasynda karar kabul edildi.
 16.04.1988 : Türkmeniň belli ýazyjy-şahyry Towşan Esenowanyň aradan çykan günü (dogumy:1915)
 25.04.1926 : Ryza şahyň Iranda öz häkimiýetini ygılan eden günü.
 30.04.1926 : Rusyýa hatarynda Türkistan (Autonom Sowet Sosýalistik Respublika) döredildi we ol, 18.10.1924-de dargadyldy.

01. Maý - 31. Maý
(11. Ordibeheşt- 10. Hordad)

- 01.05. ... : Zähmetkeşleriň halkara raýdaşlyk günü
 01.05. ... : Halkara metbugat günü.
 05.05.1909 : Türkmen ýazyjy-şahyry Pomma Nurberdiniň dünýä gelen günü.(ölümi: 1972)
 09.05.1912 : Türkmeniň belli ýazyjy- şahyry Aman Kekilowyň dünýä gelen günü (ölümi: 1974)
 09.05.1945 : Ikinji dünýä söweşi gutardy.
 12.05.1996 : Türkmenistanyň Tejen we Iranyň Maşad şäherleri arasynda demirýol gatnawy ýola goýuldy
 20.05.1924 : Iran Türkmenistan Jumhuriýeti ygılan edildi.
 24.05.1905 : Türkmen ýazyjysy Hydyr Derýaýewiň dünýä gelen günü.(ölümi: 1988)
 24.05.1990 : Türkmenistanda Türkmen dili, döwletiň resmi dili edip kabul edildi.

01. June - 30. June
(11. Hordad- 09. Tir)

- 01.06. ... : Çagalary goramagyň halkara günü.
 10.06.1873 : Orslaryň (general Kaufmanyň) Hywa türkmenleriniň hanlygyny dargadyp, uly gyrgynçylyk geçiren günü.



قىرقبۇنوز (ترکمن) چل شاخ
qirq buinuz 47. LXXIV-5 kyrk buinus

Türkmenistan ylymlar akademiýasynyň akademigi Myrat Annanepes-iň **Taryh dogruçyl öwrenilende** diýen ýazgysyndan gysga bölekler. (soňky bölüm)

Taryhy paýhasyň eýesi bolan, erkin eýesi bolan adamlaryň, aýdyň bähbitlere, aýdyň talaplara gulluk edýän adamlaryň döredýändigini unutmak bolmaz. Şonuň üçinem Gökdepe galasyny gorajylary pähim-paýhassyz, erk-ygtyýarsyz, yňan ugruna gidip barýan köpçülik hökmünde görkezmek nädogrudyr. Olar öz topragyny goramaga aňly-düşünjeli bilen taýýarlyk görüpdirler we gorapdyrlar, elbetde, olar başa düşjek betbagtçylygyň nähili uly möçberde boljagyny aýdyň göz önüne getirip bilmändirler. Başgaça aýtsak, subýektiw faktorlar taryhda juda uly rol oýnaýar, käbir şertlerde bolsa adatdan daşary uly ähmiýete eýe bolýar.

Durmuşda taryhyň gi-dişini kesgitleýän faktorlar bolýar. Gökdepe tragediýasy Günorta Türkmenistanda bolup geçen wakalaryň şondan soňky gi-dişini kesgitledi.

Gökdepe gyrgynçylygyndan soň Mary oazisindeki syýasy ýagdaý biçäk çylşyrymlaşypdyr. Ol ýere ahally bosgunlar dökülip başlapdyr, olaryň arasynda galany gorajylaryň Öwezmyrat - Dykma serdar, Magtymguly han ýaly serdarlary hem bolupdyr. Ilat mundan beýläk nähili bolmalydygyny, näme etmelidigini, nirä yüz tutmalydygyny bilmän, jan-

serek bolupdyr. „ Aksakgallar hem hanlar goňşi döwletlerden arka taparys diýen tama bilen çer tarapa urnupdyrlar“. Emele gelen ýagdaýdan çykmagyň dürli wariantlaryny ölçerip-döküpdirler, şol sanda kömek sorap Eýrana, Owganystana, inlislere yüz tutmagnam maslahatyny edipdirler. Golaýda Russiýa elgarma bolan Hywa bilen Buharynyň raýatlygyna geçmek mümkinçiligine hem seredilipdir.

Marynyň Russiýa birikdirilmeginiň golaýlaşmagy mynasybetli, 1881-1883-nji ýyllarda inlis-rus bäsdeşligi üzül-kesil güýçlenipdir. Owganystanyň territoriýasynda hereket edýän inlis imperialistleri Russiýanyň Marynyň we Hyradyň üsti bilen Hindistana, ondan aňryk günorta-gündogara gitmek planlary barada goh turzupdyrlar, Russiýa garşy gönükdirilen ýygynçylykly işlerini güýçlendiripdir, Mara öz agentlerini (Edmund O' Donowan, Syyahpuşuň topary we başgalar) iberip durupdyrlar. Olar bolsa ilatyň arasynda ruslara garşy işeňirlikli propaganda alyp barypdyrlar. Britaniýa harby-syýasy razwedkasynyň wekilleri Mary bilen serhetdeş raýonlarda hemme ýerde sümsünişip ýörüpdirler, marylylar bilen gatnaşyk açmaga bahana gözläpdirler, Hyratdan, Maşatdan we beýleki yerlerden Mary aksakgallary bilen, şol sanda Güljemal han bilenem zygyderli hat alşyp durupdyrlar.

Hiç kim Orta Aziýa halklarynyň Russiýa birikdirilmeginiň ägirt uly progressiw ähmiýetini inkär etmäge synanyşanok.

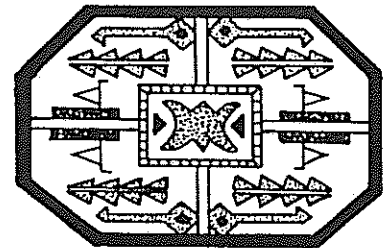
Türkmen halkynyň taryhy-urushlaryň hem gandöküşikleriniň taryhy, daşky duşmanlar bilen üz-

nüksiz göreşiň taryhy, içki agzalarylyklaryň hem duşmançylyklaryň taryhy muňa aýratyn äşgärlik bilen şaýatlyk edýär. Özem bu zatlaryň hemmesi asyrlar boýy dowam edip gelipdir, iň ahyrda hem ykdysady taýdan laşadypdyr, fiziki taýdan çagşadypdyr.

Türkmenler Russiýa birikdirilmezlerinden has ozal diňe öz güýçleri bilen muňa garşy durup bilmejekdiklerine göz yetiripdirler, özlerniň milli döwletini döretmäge-de olaryň güýji yetmändir.

Şonuň üçinem köp türkmenler Russiýa gol uzadypdyrlar, onuň öz raýatlygyna almagyny we penalamagyny haýyş edipdirler.

* * *



تيميرجين گول (ترکمن) گول ميه بندي
temirçin göl temirdschin gül

Etrek ...

XI-XIII. asyrlarda ençeme täsin arhitektura ymaratlar byna edilipdir. Häzir olardan iki sany minara, bir metjidiň girelge tarapy we başga-da käbir jemgiyetçilik we yaşaýyş jaýlary ýarym harabaçylyk ýagdaýynda saklanyp galyndyr. Metjidiň diwaryndaky syrçalar 700 ýyl geçendigine garamazdan, edil düýn boýalan ýaly gözünü gamaşdyrýar. Beýikligi 20 metrden gawrak, bişen kerpiçden salnan minaralaryň tertipli örülen kerpiçleri, içinden defesine çykylyan köp sanly aýlawy basgançaklar, ileri tarfyndaky minaranyň arçadan edililen biliniň guşag diýseň täsin. Ol, ýer titrände, sarsgynyň agramyny özüne alyp minaranyň ýykylyman saklanmagyna sebäp bolýar. Gaýra tarafdaky minarada diýseň täsin. Onuň bilini halkalaýyn gurşap alýan, arap elipbiýi bilen ýazylan hatlary görmeli, olar bişen kerpiçler bilen Kufi istilde ýazylan. Diýmek ussalaradan başga, hat-tatlar-da bu işde jan çekipdirler. Umuman orta asyrlarda bina edilen arhitektura ymaratlar şeýle.

Dehistan, Gyzyletrekden Nebitdaga we Krasnowodska gidýän ýoluň ugrundadyr. Bu maglumatlar, Ýegen Atagarryýywyň Ýaş Kommunist gazetiniň 1988-nji ýylky sanlarynda çykan makalalaryndan ýygnaýdy.

* * *

Türkmen klassik sygrynyň düybüni tutan, umum türkmen halkynyň saýran dili bolan, gündogar edebiyatynyň buýsanjy,

Magtymguly

Pyragynyň doglan gününüň 266-nji ýyl döwürini gutlaýarys!

Tapmaçalar: ILGÜN 9

	1.	2.	3.	4.	5.	6.
1.	D	U	Z	A	K	@
2.	O	Z	A	L	@	G
3.	Ñ	@	Ñ	@	D	O
4.	M	Ü	Ñ	K	Ü	R
5.	A	L	A	@	M	@
6.	K	E	R	W	E	N

Tapmaçalar:

	1.	2.	3.	4.	5.	6.
1.						@
2.			@		@	
3.		@				
4.						
5.			@			@
6.						

Kese:

- 1- Göwnüyetmezçilik bilen edilýän gürrüň.
- 2- Bir bilen iki .
- 3- Gözel keşbiňi özüne görkez.
- 4- Ujy gaňyrçakly.
- 5- Eliň aýa süňki.
- Çäre, derman.
- 6- Degene-de degip, degmedige-de degip yören adam.

Dik:

- 1- Suwda çalasyň yüzyň gara-ja möjek.
- 2- Dok dälidir.
- Eliň iç ýüzi.
- 3- Pikir, oý, düşünje.
- 4- Selçen, gyt.
- 5- Hat, ýazgy.
- 6- Hüşgär gözegçi, duýgur, eserdeň.

* * *

Etrek...

Ekerançylyk bilen bir hatarda maldarçylyk hem bolupdyr. Emma oňa, esasan kömekçi iş hökmünde garapdyrlar. Şol döwrüň süňk galyndylary, esasynda iri şahly mallaryň, diýäniň, eşegiň bar bolandygy, yöne olardan gatnaw işlerinde peýdalanylýanlygy pikir edilýär. Awnyk şahly mallaryň (goýungeçi) süňkleri-de duş gelýär. Olar esasan süýt we et üçin saklanypdyr. Olaryň deri hem yüňlerinden-de peýdalanylýpdyr.

Dehistanyň arhaik ýa-da gadymy döwrüniň maddy medeniýeti, aýratyn-da keramik gap-gaçlary, Iranyň demirgazykgünbatar yerlerinden döwürdeş ýadigärliklerinden tafylan zatlar bilen örän meňzeş. Şoňa göräde alymlar, Iranyň topraklarynda ilatyň artyk bolmagy, ýeriň darlyk etmegi netijesinde bir tofar ilat Dehistan töwereklerine göçüp gelip ýerleşendir diýip pikir edýärler. Ýöne taryhçylary haýran galdyran bir zat bar, ýagny biziň eýyamymyzdan ozalky VII.asyryň töwereklerinden başlap, 800 ýyl çemesi, yaşaýyş kesilýär. Munuň sebäbi barada alymlar anyk bir zat aýdyp bilmeýärler we Dehistanyň arhaik döwrüniň ilatynyň niräk gidenligi näbelli bolup galýar.

Dehistanyň ikinji taryhy döwri, irki orta asyrlar bilen baglydyr. Bu döwürde ilatyň etniki tofary Dah-Massaget, Hionit, Eftalit we ş. m. gadymy türki taýfalaryndan ybarat bolupdyr. Olaryň käbirleri, soňralary türkmen taýfalarynyň emel gelmeginde belli bir derejede rol oýnapdyr. A.A.Roslýakowyň pikirine görä Eftalitler, türkmen taýfalaryndan biri bolan Abdallaryň

ata-babalary bolmagy hem mümkin.

Irki orta asyrlarda Etrek derýasynyň aşak akymynda bir näçe oturmly obalar, täzeden dörräpdir. Olarda ekerançylygyň ýany bilen, maldarçylyk-da ösüpdir. Deňiz ýakalarynda oturanlary bolsa balyk awlamak bilen meşgul bolupdyr. Bu döwrüň oturmly obalary häzirkirki wagtda defe görnüşinde bolsa-da, üsti çäge syrgynlary bilen bús-bütün gömülip gidipdir. Şeýle ýadigärlikleriň biri Kerpiçli diýlip atlandyrylan ýerdir. Bu harabaçylyk Bugdaýly obasynyň 12 Km ýokarysynda(gündogarda) Garagumyň sürgün çägeleriniň arasynda ýerleşýär. Bu gadymy gala, göçüp-gonup yören çägeler bilen kemsiz gömülipdir. Bu taryhy ýadigärliğin beýlekilerden tafawudy ine şeýle:

V. V. Barthold, galanyň Esenguly taraflarynda ýerleşen bolmagy mümkin diýen pikir öňe sürdi. M.E. Massan bolsa, Etrek derýasynyň Hazar deňizine aralaşýan yerlerine aýlansa-da, ol galany tafyp bilmändir. Türkmen alymlary Ata Jikiogly Hemra Ғusufogly Dehistan-Sur galasyny agtarsalar-da birisi onuň, Esenguly şäheriniň Böwenbaş diýen yerinde we beýlekisi bolsa onuň Çeleken taraplarynda bolmagy mümkin diýen pikir öňe sürdi.

Maşad-Misrian düzligine „Alynyň ala meýdany“ diýilýär. Bu düzlikde gadymiýetden galan defedir-gala sany barmak baryp sanardan köp. Şadüz (Şadiz-Şagalasy) galasyndan günbatar da Kerpiçli diýen bir yer bar. Bu galanyň ileri-aşak taraflarynda uly bir çökeklik bar, ol bir wagtlar Hazar deňizinden bölünip aýrylan göl yeri

bolan bolmaly. Kerpiçli galasynyň ozalky ady Dehistan-Sur ýa-da Albuhaýra bolupdyr. VIII. asyrd a Araplar şu gala çozuş edipdirler. Galanyň häkimiň ady Sul diýilip görkezilýär. Arap goşun başlygyna Ғazid ibn-i al-Muhallabal-Azdi diýlipdir. Ol Horasanda iki gezek (701-704, 715-717) hökümdarlyk edipdir.

Ғazid ibn-i al-Muhallabal Etrek-Gürgen töwereklerine yöriş edip Dehistan-Sur galasyny 6 aýlap gabapdyr. Galada yaşaýan ilat duşmana berk gaýtawul beripdir, yöne olar suw hem azyk yetmezçiligi zerarly agyr ýagdaýa düşüpdirler. Araplar bolsa öz güýçlerini berkidipdirler (Suryya hem Horasandan olara goşmaça güýçler gelipdir). Padeşah Sul, araplara ýarasyk teklipe edipdir, araplar teklibi kabul edip padeşany we onuň gandüşer garyndaşlaryndan 300 adamy bagyşlapdyrlar, gala hem onuň ilaty duşmanyň goluna geçipdir. Şol söweşde Dehistan-Surda (Kerpiçlide) ýaşan ilatdan 14 müň çemesi adam öldürilipdir. Araplar ilatyň mal-garalarynyda talapdyrlar.

Şol gala tebigi belentlikde salnypdyr. Onuň yokary tarafyndan aşak tarafyna dogry, uzynlygy 1 Km-den artyk, ini bolsa 60-70 metre baryp yetýär. Şol çozuşdan soňra bu galada ýaşalmadyr. Kerpiçli diýen ýadigärliğin, orta asyrlaryň Dehistan-Sur galasydygy anyklandy. Misrian çölündäki in uly yadigärlik Dehistan, orta asyr şäheridir. Ol 200 Hektardan gawrak meýdany tutýar. Şäherde IX-XVI. asyrlarda ýaşanlar bolupdyr.

Etrek

ýurdunyň Gadymiyeti

Dr.Mehmet Kılıç

Etrek sözi agzalanda, ilki Etrek derýasy akla gelýär. Ol, öz başlangyjyny Iranyň topragyndan alyp gaýdyr. Derýanyň uzynlygy 706 Km çemesi bolup, onuň 70 Km-i Türkmenistanyň we galany-da Iranyň topragynda ýerleşýär. Etrek derýasy, Orta Asiyada Hazar deňizine guýýan ýeke-täk derýadyr. Onuň häzirki ady, 600 ýyl bäri tutulyp gelýär. Ýöne has irki zamanlarda onuň adynyň başgaça bolan bolmagy mümkindir. Çünki antik döwrüniň maglumatlaryna görä Hazar (Kaspi) deňiziniň ýokary (gündogar) tarafynda Oh derýasy bolupdyr. (Şol döwürde Hazar deňizine, Girkan deňizi diýip aýdylypdyr).

Şonuň üçin Oh, Etrek derýasynyň öňki ady bolmaly diýýänler bolşy ýaly, Oh, Tejen derýasynyň ozalky adydyr diýýänler hem bar.

Geçen asyrdaky ýaşap geçen Majar alymy A. Vamberi, Orta Asiya ýurtlaryna eden gezelenjine, Türkmenistanyň Kümüşdefe obasyndan başlaýar we Maşad-Misrian (Türkmenistanda) düşleýär. Onuň pikirçe Etrek sözi arapçada „Türkler“ diýen manyny aňladypdyr. Ýöne arapçada Türkler manyny aňladýan söz Etrek däl-de Etrak bolmalydygyny bu ýerde ýatlap geçmek gerek.

XI. asyrdaky ýaşan türk filologi Mahmud Kaşgarly Etrek sözünü, reňki sary adam, diýip düşündirýär. Ýöne bu pikire-de goşulasyň gelmeýär. Bir akar suwyň, adam ady bilen nähili

dahylly bolýanlygy düşnükli däl.

Her niçik bolsa-da Etrek derýasy, gadymy derýalaryň biri bolup, onuň aşak akymynyň gaýra tarafynda, 4 müň ýyl mundan ozal ekerançylyk bilen meşgul bolan oturmly obalar bolupdyr. Şol obalarda ýaşan ilatyň ykbalý, belli derejede, Etrek derýasy bilen bagly bolupdyr.

Etrek derýasynyň aşak akymlary, orta asyr ýazuw çeşmelerinde Dehistan diýip atlandyrylýar. Dehistan sözi, pars dilinde töweregine bir näçe obany birleşdirýän merkez manyny berýär. Dehistan, Gyzyletregiň 90 Km gaýra tarafynda ýerleşýär. Ýerli ilat, Etrek derýasynyň aşak akymyndaky ýerleri Misrian çöllügi ýa-da düzlügi diýip atlandyryýar. Bu düzlük, häzirki wagtda suwsyz ýatan çöllük bolsa-da, biziň zamanamyzdan ozalky iki müň ýyllygyň ahylaryndan başlap, 3 müň ýylyň dowamynda ekerançylygyň ösen, ilatyň köp ýaşan ýerleriň biri bolupdyr.

Gadymy çöllükleriň taryhyny üç döwürde ularaýarlar :

- 1.- Biziň eýyamymyzdan ozalky II.müň ýyllygyň ahylary we I. müň ýyllygyň başlary,
- 2.- Biziň eýyamymyzyň V.-VIII. asyrlary we
- 3.- Biziň eýyamymyzyň IX.-XIV. asyrlary.

Şu taryhy döwürleriň her biriniň häsiýetli aýratynlyklary bar: Birinji döwür, Dehistanyň gadymy arhaik döwüri diýip atlandyrylýar. Bu döwürde Dehistan çöllüginde ilkinji oturmly obalar ýüze çykypdyr. Ol obalaryň ilaty, emeli suwaryş desgalarynyň kömegi bilen Etrek derýasynyň aşak akymlaryny özleşdiripdirler, kanallar

gazypdyrlar, bentler gurupdyrlar. Bu döwürde bir näçe hektar meýdany tutýan obalar bilen birlikde, kiçeňräk obalar bolupdyr. Oňa „Demir Asyry“ diýip aýdypdyrlar.

Demiriň ýüze çykmagy, ýalňyz daňhançylygy we ekerançylyk üçin ýaramly ýerleri giňeltmek bilen çäklenmän, senetçiligiň ösmegine-de itergi bolupdyr. Önümçilik hem ýarag esbaplarynyň öndürilişini arzanladypdyr. Bürnüç asyrynyň agyr ýaragly goşuny, demirden ýasalan yeňil ýaragly goşun bilen, paý-tunly goşunlar-da atly goşun bilen çalşyrylypdyr. Şeýlelikde Demir asyry, gadymy adamlaryň ýagdaýynda uly öwrülişik wagty bolupdyr. Şol döwürden galan ýadigärlikleriň 20-den gawragy bize belli. Şolaryň iň ulularyndan biri Madaw defe bolup ol, Gyzyletregiň merkezinden 30 Km çemesi ýokary (gündogar) gaýra tarafynda ýerleşýär.

Daşyndan seredeninde ýönekeý bir defe ýaly bolup görünýän bu arheologik ýadigärlik, taryhyň gojaman döwründen gürüň berýär. Ilat palçykdan bina edilen köp otagy jaýlarda ýaşapdar. Şeýle jaýlar gysyna ýyly we tomsuna salkyn bolupdyr.

Senetçiligiň küýzeçilik görnüşi has ösüpdür we kämilleşipdir. Gap-çanaklar, çäge gatyşygy bolan palçykdan ýasalyp, ýörite peçlerde bişirilipdir. Bu döwürde kül reňkli gaplar aýratyn köp bolupdyr. Olaryň ýene-de bir häsiýetli aýratynlygy-da, şol gaplaryň (aýratyn hem agzy giň ýalpak gaplaryň) üç aýagy bolup ol, tagany ýada salýar. Şeýle gaplar esasan otda goýmak üçin niýetlenen bolsa gerek.

Balkan uruşy we milli mesele

Ўguslaw döwleti köp milletli döwlet hökmünde sosisyalistik federatiw jemhuriyeti görnüşinde marşal Titonyň ýolbaşçylygynda we onuň autoritetiniň esasynda 1974-nji ýylda gurulýar. Ўguslawiýada ýaşayan milletler Slowenler, Serbler, Bosniýalar, Kosowolar, Matse-donlar bolup, bularyň käbirleri çäkli özdolandyryş autonomiýa-da eýe bolupdylar. Dünýä boýy sosisyalistik systemanyň çagşamagy, 1991-nji ýylda Ўguslaw Federal döwletiniň hem içinde ýaşayan milletleriň özle-rini, garaşsyz döwlet hökmün-de halkara köpçüligine çyk-maklyga talaş etmeklerine se-bäp boldy. Kroatlar we Bosni-ýalaryň garaşsyzlyk ugrunda, eden hereketleri, Serbleriň ola-ryň arasynda köpsanly bolany sebäpli, uruşa alyp bardy. Şo-nuň bilen 1991-1995 ýyllar arasy Ўguslaw döwletiniň çäklerinde ýaşayan milletleriň arasynda ýaragly uruş höküm sürdi. Bu uruş Nato-nyň basy-şy arkaly duruma geldi. Şon-

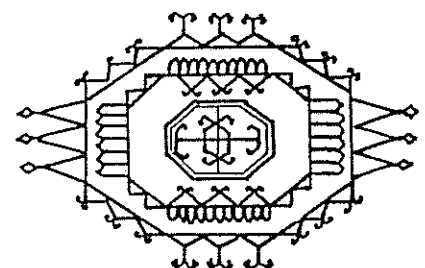
dan bari günbatar ýurtlary we halkara jemgiyeti alada bilen, international Kosowo baryşygy toplamany düzedip, parahatçy-lyk aktyny taýýarladylar. Bu akta görä Albanlaryň öz parla-menti, polislary, edalat öyleri bolup, Serb haupsyzlyk güýçle-ri bolsa, 180 günün içinde provinzy terk etmeli, Serb go-şunlarynyň sany bolşa bu pro-vinzda 1500-e aşak gaçyrylma-ly. Bu plana ne Serbler we ne-de Albanlar kanahatlandylar. Parisyň töweregindäki Rambulie şäherindäki oturyşklar hem bir yere baryp bilmedi. Bu oturyşlygyň soňky minutlaryn-da, Albanlar parahatçylyk akty-nyň maddalaryna baş egsele-de Miloşewiç ony inkär etdi. Serbleriň, Ўguslawiýa federal döwletiniň çäklerinde ýaşayan milletleri, olaryň islegleriniň tersine, zor, ýarag we güýç arkaly özüne elgarama edip saklamak syýasaty ýyllar boýunça görülip eşidilmedik adamkärçiliksizlige sebäp boldy. Serb hökümet güýçleri başga milletleriň öylerini talap, otlap, erkekleri öldürüp, gyz-gelinleri zorlap, talaňçylyga çykdylar. Ўguslawiýada ýaşa-

yan milletler megerem gadym eýýamdan biri-biri bilen duşmanlykdadylarmy?

Bir zady aç-açan aýtsañ bolar:

Sosisyalistik system milletler meselesini çözüp bilmedi. Häzirki zamanyň görkezisine görä halkara milletler birleşigi we halkara jemgiyeti milletler meselesini çözmek ugurda özünden potensial görkezip bilmedi. Nato güýçleriniň ýuguslawiýa çozmagy milli meseläniň çözülmegine ýardam edip bilmez. Eger-de halklar arasynda ýarag kulturynyň yerine gepleşik kultury ornaşmasa, milletler öz meselelerini özara çözüp bilmeseler, daşardan gelip, olaryň bähbitleri goralynmaz. Uruş diňe bibatçylyk, duşmançylyk getirip we ýarag ýasayan senagat pudaklarynyň bähbidinedir.

Ўaz



Bu sanda:

Balkan uruşy we milli mesele

Etrek ýurdunyň gadymîyeti

Taryh dogruçyl öwrenilende

Şanly hem-de ýatdan çykmajak seneler

Ýatlama

We ýene:

Gutlag

Tapmaçalar



برای دریافت ایل گون با ما تماس بگیرید

آدرس ایل گون:

IL GÜN

Postfach 30 12 03

50782 Köln

Germany

ایل گون در اینترنت:

<http://www.geocities.com/SoHo/Gallery/3677>

پست الکترونیکی:

E-Mail: ilguen@geocities.com

شماره حساب بانکی:

Stadtsparkasse Köln

Konto No. 2083236

Bankleitzahl 37050198

برای آبنه شدن ایل گون به آدرس ما نامه بنویسید .

بهای اشتراک سالانه ۲۰ مارک آلمان فدرال و یا معادل آن است .

مبلغ اشتراک سالانه را به حساب بانکی واریز نمایید .